



لاله‌های باغ فرهنگ

نگاهی کوتاه به زندگی نامه و وصیت نامه شهیدای
آموزش و پرورش شهرستان کازرون و کوه چنار

مؤلفان:

محمد بارونی و آمنه استوان

سرشناسه	:	بارونی، محمد، ۱۳۴۱-
عنوان و نام پدیدآور	:	لاله‌های باغ فرهنگ (نگاهی کوتاه به زندگی‌نامه و وصیت‌نامه شهدای آموزش و پرورش شهرستان کازرون و کوهچنار) / تهیه‌کنندگان محمد بارونی و آمنه استوان؛ [برای] اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان فارس.
مشخصات نشر	:	تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، نشر صریح، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	:	۱۳۸ص: عکس.
شابک	:	۹۷۸-۶۲۲-۲۹۶-۶۵۱-۵
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبا
موضوع	:	آموزش و پرورش -- ایران -- کوهچنار -- شهیدان -- سرگذشت‌نامه Education -- Iran -- Koohchenar -- Martyrs -- Biography آموزش و پرورش -- ایران -- کازرون -- شهیدان -- سرگذشت‌نامه Education -- Iran -- Kazerun -- Martyrs -- Biography شهیدان -- ایران -- کوهچنار -- وصیت‌نامه‌ها Martyrs -- Iran -- Koohchenar -- *Wills شهیدان -- ایران -- کازرون -- وصیت‌نامه‌ها Martyrs -- Iran -- Kazerun -- Wills
شناسه افزوده	:	استوان، آمنه، ۱۳۵۷-
شناسه افزوده	:	بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس. نشر صریح
شناسه افزوده	:	Foundation for the Preservation and Publication of Sacred Defense Works and Values. Sarir Publication
شناسه افزوده	:	بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس. اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان فارس
شناسه افزوده	:	General Department of preservation of Works and publication of sacred values of Fars province
رده بندی کنگره	:	DSR۱۶۲۵
رده بندی دیویی	:	۰۸۴۳۰۹۲۲/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	:	۹۳۳۷۳۵۳
اطلاعات رکورد کتابشناسی	:	فیبا



لاله‌های باغ فرهنگ

(نگاهی کوتاه به زندگی‌نامه و وصیت‌نامه شهدای آموزش و پرورش شهرستان کازرون و کوهچنار)

مولفان: محمد بارونی و آمنه استوان

□□□

نوبت و سال چاپ: اول ۱۴۰۲ / شمارگان: ۵۰۰ نسخه
 قطع: رقعی/ تعداد صفحات: ۱۳۸/ شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۹۶-۶۵۱-۵
 ویراستار: سمیه سروشنزاد/ طرح جلد: زهرا شریفی
 صفحه‌آرا: اطلس دهقانی / چاپ و صحافی: سمن
 قیمت: ۷۰۰۰۰ تومان / حق چاپ محفوظ است.
 ارتباط با نویسندگان کتاب ۰۹۱۷۳۲۴۴۶۲۳



من به جوانان عزیز و غیوری که جان خود را نثار
راه دوست کرده‌اند، حسرت می‌برم.



گاهی رنج و زحمت زنده نگه داشتن خون شهید،
از خود شهادت کمتر نیست.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
سلام بر لاله‌های خونین.....	۹
پیشگفتار.....	۱۱
چهل ویژگی لاله‌های باغ فرهنگ.....	۱۴
چهل سفارش لاله‌های باغ فرهنگ.....	۱۵
لاله‌های باغ فرهنگ کازرون، جره و بالاده.....	۱۷
مشخصات شهدای والامقام شهرستان کازرون، جره و بالاده.....	۱۶
شهید اصغر بزرگی کازرونی.....	۲۱
شهید ابراهیم باستان.....	۲۴
شهید محمدجواد باغبان‌پور.....	۲۷
شهید امان‌اله یوسفی.....	۲۹
شهید فرج‌اله رضازاده.....	۳۲
شهید اسدالله اسدپور.....	۳۴
شهید نصرالله نوروزی.....	۳۷
شهید حمدالله نظری(محمدصادق محمدی).....	۴۰
شهید محمدجعفر عسکری.....	۴۳
شهید حمیدرضا بهبود.....	۴۶
شهید محمدحسن فرخشاد.....	۴۹
شهید حمید مرتجز.....	۵۲
شهید محمود شیبانی.....	۵۴
شهید حمیدرضا فرد قلعه سیدی.....	۵۶
شهید هدایت‌الله محمودیان.....	۵۹
شهید حاج‌مجید حسن‌زاده‌رستمی.....	۶۲
شهید مصطفی دیبانتی‌نسب.....	۶۵

۶۸.....	شهید رسول گلستان
۷۱.....	شهید خسرو نادری دره‌شوری
۷۴.....	شهید عبدالصمد پولادی
۷۷.....	شهید محمد پرویزی
۸۰.....	شهید محمدباقر ستونی
۸۳.....	شهید کیامرז فرامرزی
۸۹.....	شهید بهنام پرنیان‌خوی
۸۶.....	شهید کرامت‌اله بهادری
۹۲.....	شهید اصغر حسن‌زاده‌رستمی
۹۵.....	شهید عباس پولادی
۹۸.....	شهید ام‌الله باقریه
۱۰۱.....	لاله‌های باغ فرهنگ خشت، کنار تخته و کمارج
۱۰۳.....	شهید عبدالنبی صالحی
۱۰۶.....	شهید محمدحسین پژمان
۱۰۹.....	شهید عباس بذرافشان
۱۱۲.....	شهید اصغر سلیمانی
۱۱۵.....	شهید سیروس حسین‌نژاد
۱۱۹.....	لاله‌های باغ فرهنگ کوه چنار و کوهمره نودان
۱۲۲.....	شهید داریوش دهداری
۱۲۵.....	شهید محمدابراهیم باقری
۱۲۹.....	شهید محمدباقر عنایت
۱۳۲.....	شهید کرامت‌اله ابراهیم‌پور
۱۳۵.....	شهید فضل‌علی جمشیدی
۱۳۸.....	منابع و مأخذ

سلام بر لاله‌های خونین

در سرزمین گلبرگ‌های پرپر شده شقایق، همراه با سبزه‌های هم‌نوا با ناله نسیم، روبه‌قبله گل‌ها باید سلام کرد.

باید سلام کرد بر آنانی که در آخرین فراز زیارت‌نامه خود به زیارت سبزترین سیرت و سرخ‌ترین صورت تاریخ نائل شدند.

باید سلام کرد بر زمزمه جاری رودها، با پاهای برهنه.

باید سلام کرد به آنانی که لباس‌های خاکی‌رنگشان، لباس احرام در موقعیت‌ها بود.

باید سلام کرد بر اشک‌های جاری مناجات بر گونه‌های خاکی و خونین.

باید سلام کرد بر دست‌های بریده‌شده، بر انگشت‌های جدا شده از دست.

باید سلام کرد بر پوتین‌های بی‌پا، به پاهایی که بند پوتین آنها تا آسمان گشوده شد.

باید سلام کرد بر سرهای سرخ بی کلاه.
باید سلام کرد بر سینه‌های سوخته در سنگرها.
باید سلام کرد بر پیشانی‌هایی که بوسه گاه گلولة شده‌اند.
باید سلام کرد بر قطارهای فشنگی که تسییح شده‌اند.
باید سلام کرد بر کوله‌پشتی‌های پر از پرواز.
باید سلام کرد بر پلاک پیکرهای قطعه‌قطعه‌شده که شماره و شناسنامه
یک شهاب شده و هر کوچه و خیابان شهرمان را تا ابد ستاره‌باران کرد.
باید سلام کرد بر لب‌های سیراب از عطش عشق.
باید سلام کرد بر چفیه، بیرق همیشه جاودان جبهه‌های خمینی.
و باید سلام کرد بر چفیه‌ای که همواره بر دوش علم‌دار نهضت
خمینی (ره) است.

روحشان شاد و راهشان پر رهرو باد.

پیشگفتار

باسمه تعالی

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ
فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا (احزاب- ۲۳)

در میان مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهده‌ی که با خدا بستند صادقانه ایستاده‌اند؛ بعضی پیمان خود را به آخر بردند (و در راه او شربت شهادت نوشیدند) و بعضی دیگر در انتظارند و هرگز تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود ندادند.

عنوان «شهید» یک عنوانی است که نباید از آن آسان عبور کرد. در کلمه «شهید» مجموعه‌ای از ارزش‌های دینی و ملی و انسانی نهفته است، اما در مسائل دینی، اولین چیزی که شهید به یاد انسان می‌آورد، جهاد فی سبیل الله است؛ شهید در راه خدا حرکت کرده، مجاهدت کرده، به شهادت رسیده. شهید مظهر ایمان صادق است: صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ؛ این همان «قَضَىٰ نَحْبَهُ» است. شهید مظهر صداقت است، مظهر عمل صالح است. چه عملی اصلح از رفتن در راه خدا و تقدیم کردن همه وجود خود، همه هستی خود در این راه؟ ایمان صادق، عمل صالح. این از جنبه دینی که حالا در همین کلمات کوتاه، دنیایی از

معارف نهفته است. معارف ملی شهید و شهادت از جمله چیزهایی است که هویت ملی را برجسته می‌کند و رتبه هویت ملی را بالا می‌برد. در این مجموعه کوتاه سعی شده است اسامی و مشخصات شهدای فرهنگی ادارات آموزش و پرورش کازرون، جره و بالاده، خشت، کنارخته و کمارج، کوه‌چنار و کوهمره نودان به همراه زندگی‌نامه‌ای کوتاه و فرازی از وصیت‌نامه آن عزیزان تهیه و تقدیم به دوستداران اسلام، انقلاب و ایران سرافرازمان شود.

اما چند نکته:

- ۱- ترتیب ذکر نام و مشخصات شهدای والامقام بر اساس تاریخ شهادت آن نام‌آوران و مجاهدان فی سبیل الله است.
- ۲- تقسیم شهدا در شهرستان‌ها و مناطق بر اساس پرونده کارگزینی شهدای عزیز در ادارات آموزش و پرورش است.
- ۳- از آنجا که مدارس جره و بالاده در سال‌های دفاع مقدس تحت پوشش آموزش و پرورش کازرون بوده است، لذا پرونده شهدای آن منطقه در اداره آموزش و پرورش کازرون بایگانی می‌باشد.
- ۴- تعدادی از شهدای عزیز در مناطق دیگر به شغل شریف معلمی مشغول بوده‌اند، ولی بعد از شهادت پرونده آنان به ادارات دیگر منتقل شده است.

۵- به یقین زندگی شهدای معظم دارای زوایای ارزشمندی در زمینه‌های اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی و... بوده است و آنچه در این نوشته به آن اشاره شده است بیان قطره‌ای از دریای بی‌نهایت زندگی شهداست.

۶- برخی از شهدای عزیز یا وصیت‌نامه نداشته‌اند یا دسترسی به آن برای ما میسر نبوده است، لذا چنانچه در این زمینه از طرف گردآوردگان کوتاهی شده است از محضر پدران، مادران و خانواده‌ی عزیز شهدا پوزش می‌طلبیم.

و در پایان از همکاری شایسته بنیاد شهید کازرون و خشت، کنار تخته و کمارج، ادارات آموزش و پرورش کازرون، خشت، کنار تخته و کمارج و کوه چنار، خانواده معزز شهدا و همه‌ی دوستانی که در این راه، همراه ما بوده‌اند و گوشه‌ای از گنجینه‌های دفاع مقدس را در اختیار ما قرار داده‌اند، صمیمانه سپاسگزاری می‌کنیم.

امید است که به یاری پروردگار و عنایت شهیدان، این گام بسیار کوتاه که به منظور احیای نام شهدای عزیز است، مورد رضایت حق تعالی قرار بگیرد.

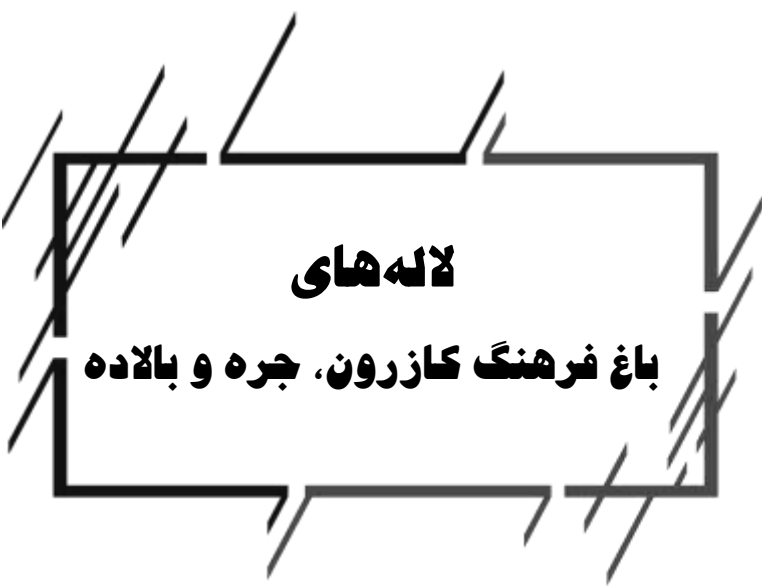
خدایا! به همه‌ی ما توفیق بده تا بتوانیم نام و یاد شهیدان این امام‌زادگان عشق که مزارشان زیارتگاه اهل یقین است را زنده نگه داریم و از آرمان و اهدافشان پاسداری کنیم.

چهل ویژگی لاله‌های باغ فرهنگ

اهمیت به نماز و عبادت	خوش اخلاقی و مردم‌داری
توجه ویژه به نماز جماعت	مطالعه کتاب‌های مذهبی
علاقه به فراگیری علم و دانش	توجه به ورزش و سلامت تن
ظلم‌ستیزی و مبارزه با متجاوزان	تلاشگری برای رفع مشکلات
توجه به فقرا و نیازمندان	ایثار و از خود گذشتگی
عشق به میهن و ارزش‌های اسلامی	عشق به شغل و رسالت معلّمی
کار و تلاش همراه با درس و مدرسه	پاسداری از ارزش‌های اسلامی
عشق به شهادت و راه امام حسین(ع)	انس و الفت با قرآن مجید
خلوص نیت در انجام کارها	توجه به دعا‌های رسیده از معصومین(ع)
عشق به اهل بیت و خاندان نبوت(ع)	عشق به فرزندان و تربیت آنان
ارتباط و پیوند با مسجد	احترام به بزرگ‌ترها
تعصب نسبت به خانواده	مهربانی با کوچک‌ترها
صداقت و امانت‌داری	صله رحم و ارتباط با بستگان
صبر و شکیبایی در برابر مشکلات	خدمت در دو سنگر مدرسه و جبهه
شرکت در مراسم مذهبی	تحمل درد و رنج ناشی از دفاع مقدّس
احترام به پدر و مادر	توجه به رضایت و خشنودی خدا
ساده‌زیستی و دوری از مدپرستی	نظم و دقت در انجام مسئولیت‌ها
توجه و مداومت بر انجام واجبات دینی	پیش‌گام‌بودن در اعمال خداپسندانه
ولایت‌پذیری	لبیک‌گویی به ندای امام خمینی(ره)
دل‌بسته نبودن به مال و مقام	طلب آرزوی شهادت از خدا

چهل سفارش لاله‌های باغ فرهنگ

فریب دنیا نخورید و به آخرت فکر کنید	روحیه‌ها را نسبت به انقلاب ضعیف نکنید
از حجابتان پاسداری کنید	خانواده شهدا را ناراحت نکنید
در تربیت فرزندان بکوشید	برای رضایت و خشنودی خدا کار کنید
به یاد امام حسین(ع) باشید	به مبارزه با تجاوزگران ادامه دهید
از خداوند برایمان طلب مغفرت کنید	تقوا و ترس از خدا را فراموش نکنید
دستورات اسلام را رعایت کنید	امربه معروف و نهی از منکر کنید
در غفلت و بی خبری نمیرید	با دشمنان دین مبارزه کنید
در برابر ظالمان بپا خیزید	اتحاد داشته باشید و متفرق نشوید
هدف دار زندگی کنید و بی هدف نباشید	در برابر مشکلات صبر داشته باشید
در خط ولایت بمانید	خود را گرفتار دنیا نکنید
حامی اسلام و دوستدار قرآن باشید	همیشه خدا را ناظر کار خود ببینید
برای کسب علم توأم با معنویت بکوشید	انجام واجبات الهی را فراموش نکنید
برای آسایش طبقه محروم تلاش کنید	از محرّمات و مکروهات بپرهیزید
راه امام خمینی، راه امام حسین(ع) است	از انفاق در راه خدا دریغ نکنید
در برابر بیهوده گویی دیگران خاموش نباشید	به نمازها و دعاها اهمّیت دهید
بچه‌های یتیم را فراموش نکنید	مساجد را خالی نگذارید
پیرو ولایت فقیه باشید	به نماز جماعت و جمعه اهمّیت دهید
پایگاه مقاومت مساجد را فراموش نکنید	با خانواده شهدا و معلولین دیدار کنید
قدر انقلاب و امام خمینی را بدانید	به دعای کمیل، توسل و... اهمّیت دهید
انقلاب و امام را تقویت کنید	برای رضایت و خشنودی خدا تلاش کنید



دانه‌های

باغ فرهنگ کازرون، جره و بالاده

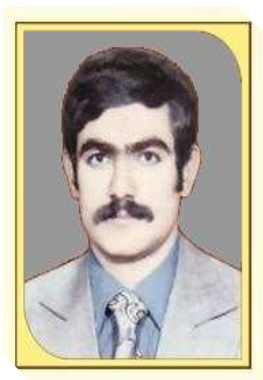
مشخصات شهدای والامقام شهرستان کازرون، جره و بالاده

لاله	نام	نام خانوادگی	نام پدر	محل تولد	وضعیت
۱	اصغر	بزرگی کازرونی	محمدصادق	کازرون	مجرد
۲	ابراهیم	باستان	حسن	کازرون	مجرد
۳	محمدجواد	باغبان پور	محمد	کازرون	متاهل
۴	امان‌الله	یوسفی	نصرالله	شیراز	متاهل
۵	فرج‌الله	رضازاده	سرتپ	اردشیری	متاهل
۶	اسدالله	اسدپور	شیروان	مالکی	مجرد
۷	نصرالله	نوروزی	جعفر	جروق	متاهل
۸	حمدالله	نظری	کوچک‌علی	دادین علیا	متاهل
۹	محمدجعفر	عسکری	حسین	کازرون	متاهل
۱۰	حمیدرضا	بهبود	اسماعیل	کازرون	متاهل
۱۱	محمدحسن	فرخشاد	محمود	کازرون	مجرد
۱۲	حمید	مرتجز	عبدالرسول	کازرون	مجرد
۱۳	محمود	شیبانی	حسین	بیدزرد	مجرد
۱۴	حمیدرضا	فرد قلعه سیدی	احمد	کازرون	مجرد
۱۵	هدایت‌اله	محمودیان	عبدالرحیم	کازرون	متاهل
۱۶	مجید	حسن‌زاده‌رستمی	حسین	کازرون	متاهل
۱۷	مصطفی	دیانتی‌نسب	غلامرضا	کازرون	مجرد
۱۸	رسول	گلستان	علی‌نقی	کازرون	مجرد
۱۹	خسرو	نادری‌دره‌شوری	علی‌مراد	کازرون	مجرد
۲۰	عبدالصمد	پولادی	محمدتقی	کازرون	متاهل
۲۱	محمد	پرویزی	اسماعیل	کازرون	متاهل
۲۲	محمدباقر	ستونی	جعفر	کازرون	مجرد
۲۳	کیامرز	فرامرزی	نجف	جروق	مجرد
۲۴	کرامت‌الله	بهادری	قره	تیره قراچه	مجرد
۲۵	بهنام	پرنیان‌خوی	کرم	گنجه‌ای	مجرد
۲۶	اصغر	حسن‌زاده‌رستمی	حسین	کازرون	متاهل
۲۷	عباس	پولادی	محمدتقی	کازرون	متاهل
۲۸	ام‌الله	باقریه	حسن	کازرون	متاهل

مشخصات شهدای والامقام شهرستان کازرون، جره و بالاده

لاله	تاریخ تولد	تاریخ شهادت	سن	محل شهادت	مزار مطهر
۱	۳۵/۰۱/۰۱	۵۹/۱۰/۰۹	۲۴	خرمشهر	کازرون - سید محمد
۲	۳۶/۱۰/۰۱	۶۰/۰۸/۲۰	۲۴	سوسنگرد	کازرون - بهشت‌زها
۳	۳۲/۱۱/۱۰	۶۰/۱۲/۲۹	۲۸	شوش	کازرون - سید محمد
۴	۲۳/۰۶/۰۴	۶۱/۰۱/۲۰	۳۸	ممسنی - قتل سیاسی	قائمیه
۵	۳۷/۰۴/۱۶	۶۱/۰۴/۲۳	۲۴	شلمچه	قائمیه
۶	۳۶/۰۷/۰۱	۶۱/۰۷/۲۰	۲۵	کوشک - زید	دارالرحمه شیراز
۷	۳۵/۰۱/۰۲	۶۱/۰۸/۱۰	۲۶	عین‌خوش	کازرون - سید محمد
۸	۳۹/۱۲/۰۱	۶۲/۰۹/۳۰	۲۳	مهاباد	روستای ملااره
۹	۳۶/۰۵/۰۸	۶۴/۱۱/۲۷	۲۸	فاو - بصره	کازرون - سید محمد
۱۰	۳۵/۰۱/۰۱	۶۵/۱۰/۱۹	۳۰	شلمچه	کازرون - سید محمد
۱۱	۴۶/۰۱/۱۵	۶۵/۱۰/۱۹	۱۹	شلمچه	کازرون - سید محمد
۱۲	۴۶/۰۶/۲۵	۶۵/۱۰/۱۹	۱۹	شلمچه	کازرون - سید محمد
۱۳	۵۰/۰۶/۰۱	۶۵/۱۰/۲۰	۱۵	شلمچه	روستای پیدزرد
۱۴	۴۳/۱۱/۰۵	۶۵/۱۰/۲۴	۲۲	شلمچه	کازرون - بهشت‌زها
۱۵	۳۳/۱۰/۰۱	۶۵/۱۰/۲۷	۳۲	شلمچه	کازرون - بهشت‌زها
۱۶	۳۴/۰۱/۰۱	۶۵/۱۰/۳۰	۳۱	شلمچه	کازرون - سید محمد
۱۷	۴۵/۰۵/۱۸	۶۵/۱۰/۳۰	۲۰	شلمچه	کازرون - بهشت‌زها
۱۸	۴۴/۱۰/۰۵	۶۵/۱۱/۰۴	۲۱	شلمچه	کازرون - بهشت‌زها
۱۹	۴۴/۰۷/۰۱	۶۵/۱۲/۱۵	۲۱	شلمچه	روستای قلعه نارنجی
۲۰	۳۷/۱۱/۰۱	۶۶/۰۱/۱۸	۲۹	شلمچه	کازرون - سید محمد
۲۱	۳۸/۰۶/۲۱	۶۶/۰۱/۱۹	۲۸	شلمچه	کازرون - سید محمد
۲۲	۴۶/۱۱/۰۱	۶۶/۱۲/۲۶	۲۰	مریوان	کازرون - سید محمد
۲۳	۴۷/۰۶/۰۱	۶۶/۱۲/۲۷	۱۹	حلبچه	بالاده روستای درونک
۲۴	۴۴/۰۹/۰۵	۶۷/۰۳/۲۳	۲۳	شلمچه	روستای گنج‌ای
۲۵	۴۶/۰۹/۰۵	۶۷/۰۳/۲۳	۲۱	پاسگاه زید	کازرون - سید محمد
۲۶	۳۹/۰۱/۰۱	۶۷/۰۳/۲۳	۲۸	شلمچه	کازرون - سید محمد
۲۷	۳۲/۱۱/۰۱	۸۱/۱۲/۲۲	۴۹	بیمارستان نمازی - جانباز	کازرون - سید محمد
۲۸	۳۳/۰۵/۰۱	۸۳/۰۷/۲۵	۵۰	کازرون - جانباز	کازرون - سید محمد

حضرت امام خمینی(ره):
این شهدا زنده هستند و در پیش خدای تبارک و تعالی «عند ربهم یرزقون» اند.



شهید اصغر بزرگی کازرونی

نام پدر: محمدصادق

تاریخ تولد: ۱۳۳۵/۰۱/فروردین

محل تولد: فارس/کازرون

وضعیت: مجرد

تعداد فرزندان: ۰

تاریخ شهادت: ۱۳۵۹/۰۹/دی

محل شهادت: ماهشهر

مزار مطهر: کازرون – گلزار شهدای امامزاده سیدمحمد نوربخش

خلاصه‌ای از زندگی‌نامه و نحوه شهادت

شهید اصغر بزرگی کازرونی در سال ۱۳۳۵ در خانواده‌ای مذهبی دیده به جهان گشود و از همان دوران کودکی به نماز و عبادت بسیار اهمیت می‌داد و همواره برای برگزاری نماز جماعت به مسجد می‌رفت. وی به تحصیل علم و دانش علاقه وافری داشت و در این راه کوشش می‌نمود. در دوران انقلاب و مبارزه با طاغوت، فعالیت زیادی داشت و در پخش اعلامیه‌های امام خمینی و شرکت در راهپیمایی‌ها شب و روز در تلاش و کوشش بود. همیشه به خانواده‌اش سفارش می‌کرد که نماز را در اوّل وقت بخوانند. خودش نیز نمازش را در اوّل وقت می‌خواند.

در نماز جمعه شرکت می‌کرد و به فقرا و مستمندان توجه خاص داشت. وی خدمتگزاری به مردم را وظیفه خود می‌دانست.

با شروع جنگ تحمیلی، برای دفاع از حیثیت این مملکت اسلامی به جبهه‌های حق علیه باطل عازم شد و معتقد بود که دشمن نباید به خاک این مملکت دست پیدا کند. سرانجام در ۹ دی/۱۳۵۹ در جبهه ماهشهر به مقام شهادت نائل آمد و به‌سوی معبودش شتافت.

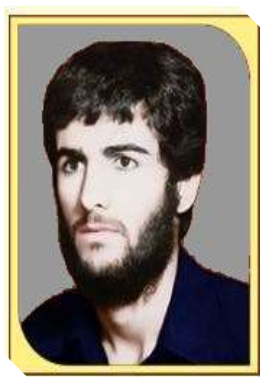
فرازی از وصیت نامہ شہید

❖ شما خانواده محترم، پیرو و مطیع حضرت امام باشید و یاور آن رہبر کبیر و فرزانه.

❖ آرزو دارم کہ همچون اصحاب سیدالشہدا، شہید راہ خدا و دین و حقیقت باشم.

❖ شما ہم مانند حضرت زینب(س) و خانوادہ آن حضرت کہ با صبر و شہامت خود، اسلام را زندہ نگہ داشتند، با صبر و حجاب و ایمان خود مشیت محکم بر دہان دشمنان و استعمار بزنید.

حضرت امام خامنه‌ای:
شهادت بالاترین پاداش و مزد جهاد فی سبیل الله است.



شهید ابراهیم باستان

نام پدر: حسن

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۰۱/دی

محل تولد: فارس/کازرون

وضعیت: مجرد

تعداد فرزندان: ۰

تاریخ شهادت: ۱۳۶۰/۲۰/آبان

محل شهادت: سوسنگرد

مزار مطهر: کازرون - گلزار شهدای بهشت زهرا

خلاصہ ای از زندگی نامہ و نحوہ شہادت

شہید ابراہیم باستان در سال ۱۳۳۶ در کازرون متولد شد. در طی تحصیلاتش علاوہ بر درس و تحصیل بہ کار کردن ہم مشغول بود تا بتواند رہ توشہ ای برای مخارج تحصیلاتش تہیہ کند. با تمام شدن تحصیلات بہ خدمت سربازی رفت و در پایان خدمتش کہ مصادف با آغاز حکومت نظامی بود بہ کازرون مراجعت نمود و بہ فعالیت علیہ حکومت شاہ پرداخت. یکبار در جنگ و گریزہای خیابانی با مأموران شاہ، مورد ہجوم مأموران قرار می گیرد. بیش از بیست مأمور بہ او حملہ ور می شوند تا اینکہ در مسجد ملابرات، -پایگاہ ہمیشگی اش- دستگیرش می کنند و مورد ضرب و شتم قرار می دهند و وی را آن قدر کتک می زنند کہ بی ہوش می شود.

- پس از پیروزی انقلاب بہ تربیت معلّم راہ پیدا می کند و در آنجا عضو انجمن اسلامی می شود و دوستان را بہ نماز جماعت توصیه می کند و بالاخرہ پس از چہار ترم موفق بہ اخذ فوق دیپلم می شود.
- در آذرماہ ۵۹ برای دفاع از وطن اسلامی اش عازم جبۂ سوسنگرد می گردد و پس از انجام مأموریتش بہ کازرون مراجعت و بہ عضویت سپاہ پاسداران انقلاب اسلامی درمی آید.
- در تاریخ ۱۱ مرداد سال ۶۰ علی رغم مخالفت سپاہ از رفتن وی بہ

جبهه، او که تشنه شهادت بود، برای دومین بار عازم جبهه می‌شود و در تاریخ ۲۴ مرداد ۶۰ در آبادان به وسیله ترکش خمپاره از چند ناحیه زخمی می‌شود.

- او که عاشق شهادت بود و روح بلندی داشت آرام نمی‌گیرد و به جبهه برمی‌گردد و برای چهارمین بار به جبهه سوسنگرد می‌رود و در تاریخ ۲۰ / آبان / ۶۰ به دیدار معبود خویش می‌شتابد و به آرزوی دیرینه‌اش نایل می‌آید.

حضرت امام خمینی (ره):
شهادت عزّت ابدی است، حیات ابدی است.



شهید محمد جواد باغبان پور

نام پدر: محمد

تاریخ تولّد: ۱۰/بهمن/۱۳۳۲

محل تولّد: فارس/کازرون

وضعیت: متأهل

تعداد فرزندان: ۳

تاریخ شهادت: ۲۹/اسفند/۱۳۶۰

محل شهادت: شوش/تک دشمن

مزار مطهر: کازرون – گلزار شهدای امامزاده سید محمد نوربخش

خلاصه‌ای از زندگی‌نامه و نحوه شهادت

شهید محمدجواد باغبان‌پور در سال ۱۳۳۲ در خانواده‌ای مذهبی و متدین به دنیا آمد. هنگامی که می‌خواست به مدرسه برود، پدرش به سرای باقی شتافت و او مجبور شد به جای مدرسه رفتن کار کند.

او توانست با تلاش بسیار مدرک کلاس ششم خود را بگیرد و در حرفه نقاشی به کارش ادامه بدهد. در سال ۱۳۵۹ به استخدام آموزش و پرورش درآمد و در همان سال بود که جنگ تحمیلی آغاز شد.

شهید باغبان‌پور عازم جبهه‌های نبرد حق علیه باطل گردید و بعد از مدتی از ناحیه فک مجروح شد و بعد از یک ماه بستری شدن در بیمارستان اهواز عشق به امام و انقلاب اسلامی دوباره او را به جبهه کشاند. در تاریخ ۲۹ اسفند ۱۳۶۰ یعنی شب عید با خون خود، شهادت را به خانواده‌اش هدیه کرد.

از این شهید بزرگوار سه فرزند به نام‌های احسان، رضا و محمد باقی‌مانده است که محمد هنگام شهادت پدرش هنوز به دنیا نیامده بود. جسد او مانند امام حسین (ع) بعد از سیزده روز پیدا و در گلزار شهدای سید محمد نوربخش کازرون به خاک سپرده شد.

حضرت امام خامنه‌ای:
شهید، علاوه بر مقامات رفیع معنوی، مشعل‌دار پیروزی و آزادی و استقلال ملت‌اند.



شهید امان‌اله یوسفی

نام پدر: نصرالله

تاریخ تولد: ۰۴/شهریور/۱۳۲۳

محل تولد: فارس/شیراز

وضعیت: متأهل

تعداد فرزندان: ۴

تاریخ شهادت: ۲۰/فروردین/۱۳۶۱

محل شهادت: نورآباد ممسنی/توسط منافقین

مزار مطهر: قائمیه - گلزار شهدای قائمیه

خلاصه‌ای از زندگی‌نامه و نحوهٔ شهادت

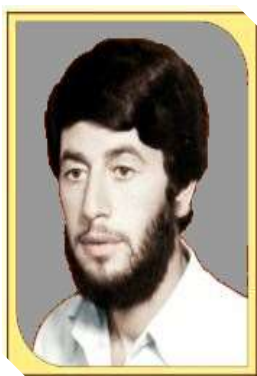
امان‌اله یوسفی فرزند نصرالله در سال ۱۳۲۳ در یک خانوادهٔ محروم عشایری از ایل قشقایی در کوچ راه‌های ییلاق و قشلاق دیده به جهان گشود. هنوز شش ماه از حیات دنیوی را پشت سر گذاشته بود که مادرش را که کانون محبت یک فرزند است، از دست داد و تقدیر چنین مقرر کرد که به دست مادر بزرگش پرورش یابد و تربیت شود.

با توجه به وضع زندگی ایل و فقری که در آن زمان بر خانواده‌های ایلی حکم فرما بود، با سختی و مرارت فراوان و تحمل مشقات زیاد به تحصیل پرداخت و پس از اتمام تحصیلات در دانش‌سرای عشایری، به شغل شریف معلمی پرداخت. این شهید عزیز به علت اینکه اهل مطالعه و تحقیق در زمینه‌های علمی و تاریخی بود و عنایتی خاص هم نسبت به پیشرفت تحصیلی فرزندان عشایر داشت، بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی به عنوان راهنمای تعلیماتی و آموزشی ادارهٔ آموزش و پرورش عشایر منصوب شد و در این مسیر خدمات بسیار شایانی به نونهالان عشایر انجام داد.

وی در اکثر جریانات مربوط به انقلاب اسلامی حضور فعالانه و چشمگیر داشت و سرانجام در ۲۰/فروردین/۱۳۶۱ قلبش هدف گلوله‌های کینه‌توزانه منافقین کوردل قرار رفت و به فخر عظیم شهادت نایل گشت.

خوش‌برخوری، دلسوزی، تلاشگری، تحقیق و تفحص در مسائل علمی،
علاقہ‌مندی بہ نظام جمہوری اسلامی، تعصب خاص نسبت بہ پیشرفت
دانش‌آموزان عشایر، کم‌توقعی، ہنرمندی، خوش‌صوتی و ستیز با منافقین
را می‌توان از ویژگی‌های شخصیتی شہید یوسفی ذکر کرد.

حضرت امام خامنه‌ای:
شهادت، مرگ انسان‌های زیرک و هوشیار است.



شهید فرج‌اله رضا زاده

نام پدر: سرتیپ

تاریخ تولد: ۱۴/تیر/۱۳۳۷

محل تولد: فارس/قائمیه

وضعیت: متأهل

تعداد فرزندان: ۱

تاریخ شهادت: ۲۳/تیر/۱۳۶۱

محل شهادت: شلمچه

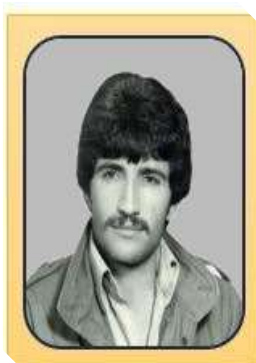
مزار مطهر: گلزار شهدای شهر قائمیه

فرازی از وصیت‌نامہ شہید

- خداوندا! انسان باید ہوشیار باشد کہ فریب این دنیایی کہ چون مار خوش خط و خال است و از درون زہر آگین است، نخورد و بہ ظاہر ش فکر نکند، چون دنیا فریبندہ است.
- خانۂ ہمیشگی آخرت است، باید از دنیا بہ عنوان وسیلہ برای ساختن خانۂ آخرت استفادہ کرد؛ زیرا دنیا بازیچہ‌ای بیش نیست و خواہانش را ہمیشہ ذلیل کردہ و می‌کند.
- ہمسر گرامیم! وصیتی کہ بہ تو دارم این است کہ فرزندم را نیکو تربیت کنی و از حجابت کہ سنگر مقاوم است، دفاع کنی و فرزند کوچکم را چنان پرورش بدہی کہ ان شاء اللہ سرباز بقیہ اللہ الاعظم گردد.
- خداوندا! اسلام را ہر چہ زودتر بر کفر جہانی پیروز بگردان و ما را کہ خواہان آن ہستیم کہ در راہ شہدا و صدیقین گام برداریم، ثابت قدم ساز.
- خداوندا! اگر لیاقت دادی کہ در راہ تو شہید شوم مرا پاک و خالص از دنیا ببر.
- خداوندا! «أَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي»، خداوندا! فرزندان مرا صالح بگردان.

با خون وصیت‌نامہ خود را نوشتند
با این خلوص اینان سزاوار بہشتند
خوش باطن و حق باور و نیکو سرشتند
بذر حقیقت در سر و در سینہ کشتند

حضرت امام خامنه‌ای:
پروردگارا، مرگ ما را جز به شهادت در راه خودت قرار مده!



شهید اسدالله اسدپور

نام پدر: شیروان

تاریخ تولد: ۱۳۳۶/۰۱/مهر

محل تولد: فارس/کازرون/روستای مالکی وضعیت

وضعیت: مجرد

تعداد فرزندان: +

تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/مهر/۲۰

محل شهادت: کوشک - زید

مزار مطهر: شیراز - گلزار شهدای دارالرحمه

خلاصہ ای از زندگی نامہ و نحوہ شہادت

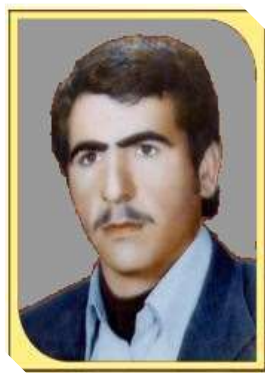
بسیجی دلاور فرهنگی شہید اسداللہ اسدپور فرزند شیروان در اوّل مهر ۱۳۳۶ در روستای فامور از توابع شهرستان کازرون در خانواده ای مؤمن و مذہبی دیدہ بہ جہان گشود. تحصیلاتش را در ہفت سالگی آغاز کرد و تا اخذ مدرک فوق دیپلم ادامہ داد و پس از آن بہ خدمت آموزش و پرورش با سمت دبیری و تدریس در مقطع راہنمایی مشغول بہ کار گردید. وی فردی مخلص، باایمان، اہل کار و تلاش و رسیدگی بہ محرومان و مستضعفان بود. دوست داشت خدمتش را بیشتر در مناطق محروم ارائہ کند. اہل تظاهر و ریا نبود. فردی انقلابی بود و پس از پیروزی انقلاب با توجّہ بہ نیاز جہہ ہا بہ نیروی کارآمد و جوان، درس و تدریس و خانہ را ترک کرد و بہ ندای رہبرش لبیک گفت و از طریق بسیج بہ جہہ رفت. او در عملیات رمضان شرکت کرد و در محور عملیاتی کوشک - زید در تاریخ ۲۰/مہر/۱۳۶۱ مزد ایمان و جہادش را با شہادت گرفت.

شہید اسداللہ اسدپور جاویدالاثّر گردید و پس از چند سال در همان منطقہ عملیاتی مورد تفحص قرار گرفت و پیکرش تشیع و بہ خاک سپردہ شد.

فرازی از وصیت‌نامه شهید

- مادر عزیزم، گریه نکنید و پیراهن مشکی برایم بپوشید و مدّت چهل روزی که باید مشکی بپوشید به نیت امام حسین (ع) و یارانش بپوشید. من امانت خدا به اسم فرزندی پیش شما و سرباز امام‌زمان (عج) و نایب بر حقش خمینی بت شکن رهبر مستضعفان جهان هستم؛ دلیل ندارد که شما برایم گریه کنید.

حضرت امام خامنه‌ای:
زمان، همه چیز را کهنه می‌کند، مگر خون شهید را.



شهید نصرالله نوروژی

نام پدر: جعفر

تاریخ تولد: ۲۰/ فروردین/ ۱۳۳۵

محل تولد: فارس/ کازرون/ روستای جروق

وضعیت: متأهل

تعداد فرزندان: ۱

تاریخ شهادت: ۱۰/ آبان/ ۱۳۶۱

محل شهادت: عین‌خوش/ عملیات محرم

مزار مطهر: کازرون – گلزار شهدای امام‌زاده سید محمد نوربخش

خلاصه‌ای از زندگی‌نامه و نحوه شهادت

شهید نصرالله نوروزی در سال ۱۳۳۵ در خانواده‌ای تهیدست ولی متدین در روستای جروق از توابع شهرستان کازرون چشم به جهان گشود. در دوران کودکی از محبت مادر محروم ماند. پس از پایان تحصیلات عمومی وارد دانش‌سرای عشایری شد و بعد از پایان دوره به روستا بازگشت. به‌خاطر خدمت صادقانه‌اش، دانش‌آموزان او در سال تحصیلی ۱۳۵۶ - ۱۳۵۵ ممتاز شدند و او را با دانش‌آموزان به اردو فرستادند و از او خواستند که دوازده اصل منفور پهلوی را به گردن بیندازند؛ اما او از انجام این عمل خودداری کرد و به همین خاطر با آنها درگیر شد.

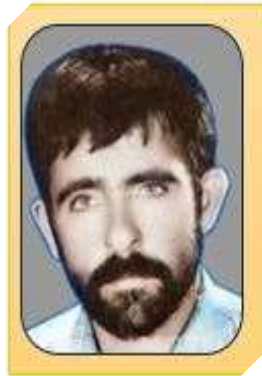
شهید فردی خوش‌برخورد بود. او راجع به امام می‌گفت: «بعد از هجرت حضرت محمد(ص) جالب‌ترین هجرت، هجرت امام خمینی است.»

بالاخره در تاریخ ۱۰/آبان/۱۳۶۱ در جبهه عین‌خوش درحالی که پیشروی می‌کرد، از میان سربازان دشمن که روی زمین افتاده بودند، گلوله‌ای در بدن گرم او رها می‌کنند و او در همان حال دست‌هایش را به‌طرف دوستانش بلند می‌کند و می‌گوید پیشروی نکنید، اما دوباره به رگبار بسته می‌شود و به ملاقات معبودش می‌شتابد.

فرازی از وصیت‌نامه شهید

من امروز به فرمان رهبرم لیبک گفته و لباس رزم را پوشیده‌ام تا چشم دشمنان اسلام را کور کنم. شما ای منافقان، به شما می‌گویم، روزی که اسلام فقط منحصر به حضرت محمد(ص) و یارانش بود، نتوانستند جلوی او را بگیرند، اکنون که میلیون‌ها جوان مسلمان ایران پشت‌وپناه آن است می‌خواهید با چند قتل سیاسی جلوش را بگیرید؟ بدانید که کور خوانده‌اید.

حضرت امام خامنه‌ای:
شهادت، نشانه استواری است.



شهید حمدالله نظری (محمدصادق محمدی)

نام پدر: کوچک علی

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۰۱/اسفند

محل تولد: فارس/کازرون/روستای دادین علیا

وضعیت: متأهل

تعداد فرزندان: ۱

تاریخ شهادت: ۱۳۶۲/۳۰/آذر

محل شهادت: مهاباد

مزار مطهر: کازرون - گلزار شهدای روستای ملا اره

خلاصہ‌ای از زندگی‌نامه و نحوه شہادت

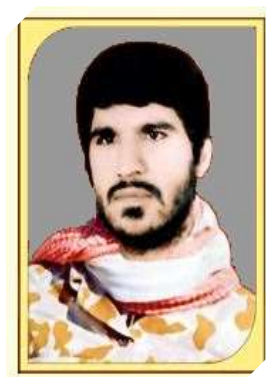
شہید حمداللہ نظری (محمدصادق محمدی) دوران تحصیل ابتدایی را در مدارس عشایری سیار با موفقیت به پایان رسانید. دوران تحصیل و در ایام تعطیلی مرد کار خانواده بود. از همان کودکی شیفته ائمه معصومین و شہدای کربلا بود و در ایام محرم در راه‌اندازی دسته‌های سینه‌زنی حضور فعال داشت.

وی در سال ۱۳۵۶ وارد دانش‌سرای عشایری شد و پس از طی دوران دانش‌سرا به عنوان معلم منطقہ عشایرنشین سومار در استان کرمانشاه مشغول به کار شدند و در سال دوم در بخش سنجانی در استان کرمانشاه مشغول تعلیم و تربیت نونہالان منطقہ گردیدند. سپس به مدت دو سال در منطقہ محروم کهنوج از استان کرمان به کار تعلیم و تربیت پرداختند. در شهریور سال ۱۳۶۱ ازدواج نمودند کہ ثمرہ این ازدواج فرزندی دختر بہ نام مرضیہ است. چند ماہ از تولد فرزندش نگذشتہ بود کہ در آبان‌ماہ همان سال عازم جہہ حق علیہ باطل گردید و در منطقہ مہاباد در آذربایجان غربی مشغول انجام وظیفہ گردید و در آخرین روز آذرماہ سال ۱۳۶۲ بہ مقام والای شہادت رسیدند.

فرازی از وصیت‌نامه شهید

- ای مادر و برادران و ای همسرم! بدانید و دانسته باشید که بنده آگاهانه به این میدان عازم می‌شوم و این را می‌دانم که بعد از چند سال جنگ در کشورمان، خاموش‌نشستن گناه است و طبق فرموده امام عزیزمان که فرمودند مسئله اصلی جنگ است. امروز تمامی برادرانی که توانایی جسمی دارند باید عازم جبهه حق علیه باطل گردند و از اسلام و آب‌و‌خاک مسلمانان دفاع کنند.
- همسر مهربانم! در سوگ من زیاد ناراحتی نکن و زینب‌وار زندگی کن و دستورات اسلام را بخوان و به هر که نمی‌داند بگو؛ زیرا تو هم در برابر خداوند مسئول هستی. به تو سفارش می‌کنم که برای مادرم زیاد احترام قائل شوی و فرزندم مرضیه را خوب تربیت کنی.

حضرت امام خامنه‌ای:
شهادت غالباً عناصر پولادین جبهه جنگ و جزء عناصر پولادین مردم بودند.



شهید محمدجعفر عسکری

نام پدر: حسین

تاریخ تولد: ۸/۰۸/۱۳۳۶

محل تولد: فارس/کازرون

وضعیت: متأهل

تعداد فرزندان: ۱

تاریخ شهادت: ۲۷/بهمن/۱۳۶۴

محل شهادت: فاو - ام‌القصر/عملیات والفجر ۸

مزار مطهر: کازرون - گلزار شهدای امامزاده سید محمد نوربخش

خلاصه‌ای از زندگی‌نامه و نحوه شهادت

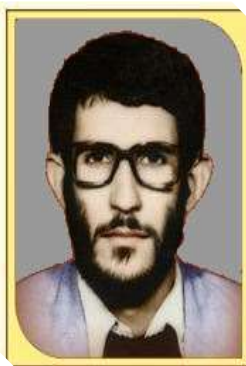
شهید محمدجعفر عسکری در سال ۱۳۳۶ در خانواده‌ای متوسط و مذهبی چشم به جهان گشود. او به‌خاطر پرورش نیکوی خانواده، از همان سنین کودکی با نوای ملکوتی قرآن و نیایش آشنا شد و عشق به مکتب اهل‌بیت(ع) در قلب و روحش رسوخ کرد؛ به‌طوری‌که تا لحظه‌لحظه شهادتش، این عشق و علاقه نسبت به خاندان عصمت و طهارت به‌ویژه مولایش امام حسین(ع) فزونی داشت.

شهید عسکری به‌خاطر علاقه زیاد به تحصیل توانست دوره‌های تحصیلی را با موفقیت طی کند و در سال ۱۳۵۶ موفق به اخذ دیپلم شود. در روزهای انقلاب و مبارزه علیه حکومت ستم‌شاهی با علاقه و جدیت و با ازخودگذشتگی خاص خود، همراه با امت سلحشور کازرون در تظاهرات و مبارزه‌ها شرکت می‌کرد و یک‌لحظه آرام و قرار نداشت. وی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به‌عنوان مربی تربیتی وارد آموزش و پرورش شد و به سبب دارابودن سجایای اخلاقی و روح انعطاف‌پذیری، به‌راحتی جوانان، دانش‌آموزان و همکاران را به خود جذب می‌کرد و سرانجام در عملیات والفجر ۸ به آرزویش که همان لقاءالله بود، رسید و درس آزادگی و جوانمردی را که از مولای خویش امام حسین(ع) آموخته بود، به مرحله عمل درآورد.

فرازی از وصیت‌نامه شهید

- ای جوانان عزیز! نکند در رختخواب بمیرید که امام حسین(ع) در میدان نبرد شهید شدند.
- مبادا در غفلت بمیرید که امام علی(ع) در محراب عبادت شهید شدند!
- مبادا در حال بی تفاوتی بمیرید که علی اکبر امام حسین(ع) در راه خدا و باهدف شهید شدند!
- ای جوانان عزیز، همه مسئولید، در برابر ملت‌های تحت ظلم برخیزید و بکوشید تا به یاری خدا تمامی ملت‌های تحت ستم را از زیر ظلم چپاولگران نجات دهید!

حضرت امام خامنه‌ای:
بهترین مردن‌ها، شهادت است.



شهید حمید رضا بهبود

نام پدر: اسماعیل

تاریخ تولد: ۰۱/فروردین/۱۳۳۵

محل تولد: فارس/کازرون

وضعیت: متأهل

تعداد فرزندان: ۱

تاریخ شهادت: ۱۹/دی/۱۳۶۵

محل شهادت: شلمچه/عملیات کربلای ۵

مزار مطهر: کازرون – گلزار شهدای امامزاده سید محمد نوربخش

خلاصہ ای از زندگی نامہ و نحوۂ شہادت

حمیدرضا بھبود در سال ۱۳۳۵ در خانوادہ ای متدین و مستضعف در شہر کازرون بہ دنیا آمد و دوران تحصیل را با موقّیّت سپری نمود. سالہای آخر تحصیل در دبیرستان با مطالعہ کتابہای مذہبی و سیاسی نسبت بہ اوضاع وخیم مملکت، اطلاعاتی کسب کرد. با توجّہ بہ روحيہ ظلم ستیزی کہ از کودکی در وی وجود داشت، نسبت بہ ہیئت حاکمہ ظالم پهلوی معترض بود و این اعتراض را در مجامع مختلف اظہار می نمود. دوران سپاہی دانش را با خدمت صادقانہ و دلسوزانہ در روستاہای محروم الیگودرز گذراند و در سال ۱۳۶۵ وارد دانش سرای تربیت معلّم گردید.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ضمن تدریس در دبیرستان شہید مطہری کازرون بہ تشکیل جلسات اخلاق و مباحث عقیدتی مبادرت ورزید و با شروع جنگ تحمیلی از اولین کسانی بود کہ بہ جہہ اعزام شد و در پیکار شکست حصر آبادان شرکت داشت. پس از شہادت برادرش قدرت اللہ بھبود، راہی جہہ سومار گردید. در سال ۱۳۶۱ در رزم فتح المبین شرکت نمود و بہ شدّت از ناحیہ پا مجروح شد. پس از یافتن سلامتی در سال ۱۳۶۲ بہ علّت اصرار و درخواست آموزش و پرورش با انتقال او بہ شہرستان قم موافقت نمود. با عنایت بہ اینکہ از قبل در شہر قم تحصیلات مقدماتی را نزد علما شروع نموده بود، با حضور مجدد در

جلسات درس علما خیلی سریع پیشرفت نمود به به‌طوری در مدت سه سال آن را به پایان رسانید. به‌هرحال شهید از جبهه و جنگ غافل نشد. در دوران دفاع مقدس هفت بار به جبهه رفت تا سرانجام در پیکار کربلای ۵ به همراه دوست و هم‌سنگر همیشگی‌اش معلّم شهید حاج مجید حسن‌زاده، به آرزوی دیرین خود یعنی شهادت نایل آمد.

فرازی از وصیت‌نامه شهید

اماّ هم‌سرم: او که با همه سختی‌ها در زندگی‌ام ساخت و هیچ‌گاه در برخورد هایش مسئله‌ای به وجود نیاورد که مانع از جبهه‌رفت‌م شود و همراه با گذشت، دوری مکرّر مرا تحمّل می‌کرد. امید که در نبودن من همچنان در خط امام خمینی و حامی اسلام و دوستدار قرآن و معنویت اسلام باشد و فرزندم را آن‌چنان تربیت کند که رضای خدا در آن باشد.

حضرت امام خامنه‌ای:
لحظه شهادت، جزء شیرین‌ترین لحظات هر شهیدی است.



شهید محمدحسن فرخ‌شاد

نام پدر: محمود

تاریخ تولد: ۱۵/فروردین/۱۳۴۶

محل تولد: فارس/کازرون

وضعیت: مجرد

تعداد فرزند: ۰

تاریخ شهادت: ۱۹/دی/۱۳۶۵

محل شهادت: شلمچه

مزار مطهر: کازرون – گلزار شهدای امام‌زاده سید محمد نوربخش

خلاصه‌ای از زندگی‌نامه و نحوه شهادت

دانشجو معلّم شهید در سال ۱۳۴۶ در زمستانی سرد که حکومت ستم‌شاهی بر این مرزوبوم سایه افکنده بود، به دنیا آمد و به دلیل مصادف شدن با سالروز تولّد امام حسن مجتبی (ع) نام او را محمدحسن نهادند.

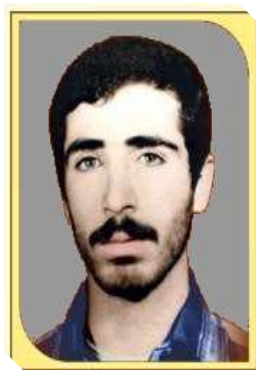
در شش سالگی وارد دبستان شد و دوره پنج ساله ابتدایی را در سال ۱۳۵۶ به پایان برد. آن‌گاه که دوره راهنمایی را در مدرسه راهنمایی داریوش - شهید بهبهانی نژاد کنونی - آغاز نمود، مصادف بود با مبارزات ملت غیور ایران به رهبری امام خمینی (ره) که در این زمان با کمی سن در تظاهرات کوچه‌ای، علیه مزدوران شاه به مبارزه می‌پرداخت. در سال سوم راهنمایی بود که فعالیت‌های ملحد و ضدانقلاب علیه حزب‌الله اوج گرفت.

در سال ۱۳۵۹ وارد هنرستان صنعتی کازرون شد و در رشته برق ادامه تحصیل داد. در این زمان نیز به فعالیت خود ادامه می‌داد و در همین راستا در پایگاه مسجد به یادگیری تعالیم اسلامی می‌پرداخت. پس از پایان تحصیلات، در کنکور سراسری دانشگاه شرکت کرد و در رشته مهندسی سپاه، الکترونیک دانشگاه شیراز، نقشه‌کشی دانشکده اصفهان و تربیت معلّم شیراز قبول شد، ولی وی حرفه معلّمی را انتخاب کرد. در تاریخ ۱۰/دی/۱۳۶۵ عازم جبهه شد و ۹ روز بعد به لقاءالله رسید.

فرازی از وصیت‌نامه شهید

- چگونه می‌توانم فراموش کنم آن سروصدهایی را که در هیروشیما روی داد؛ زیرا امروز نمونه بدتر از آن در آبادان انجام می‌شود.
- چگونه می‌شود تحمل کرد و هر روز شاهد پرپر شدن دوستان و جوانان و همسایه‌ها بود. ای وجدان‌های آگاه، نگذارید خانه‌هایمان خراب شود!

حضرت امام خامنه‌ای:
هر ملت‌ی که هنر شهادت را یاد گرفت، برای همیشه سربلند است.



شهید حمید مرتجز

نام پدر: عبدالرسول

تاریخ تولد: ۲۵/شهریور/۱۳۴۶

محل تولد: فارس/کازرون

وضعیت: مجرد

تعداد فرزندان: ۰

تاریخ شهادت: ۱۹/دی/۱۳۶۵

محل شهادت: شلمچه/عملیات کربلای ۵

مزار مطهر: کازرون - گلزار شهدای امامزاده سید محمد نوربخش

خلاصه‌ای از زندگی‌نامه و نحوه شهادت

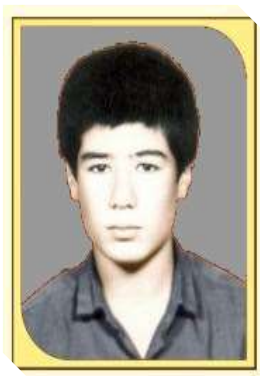
شهید حمید مرتجز دانشجوی تربیت‌معلم شهید رجایی شیراز در سال ۱۳۴۶ در یک خانواده فرهنگی پا به عرصه وجود گذاشت و در دامان مادری پرهیزگار پرورش یافت. وی تحصیلات خود را به شایستگی در کازرون به پایان برد. صداقت، امانت‌داری و تعصب نسبت به خانواده و دوستان از صفات بارز اوست. ورزش و بذله‌گویی از وی یک انسان دوست‌داشتنی و جذاب ساخته بود.

شهید مرتجز به خاطر عشق به اسلام و نجات میهن اسلامی راهی جبهه‌های جنگ تحمیلی گردید و در نبردی نابرابر با بعضی‌های عراقی در عملیات فاتحان کربلای ۵ وارد کارزار شد و بالاخره خون مطهر او در سحرگاه ۱۹/دی/۱۳۶۵ خاک شلمچه را گلگون ساخته و راه را برای پیشروی رزمندگان اسلام هموار ساخت و قلب رئوف و مهربانش از حرکت باز ایستاد.

فرازی از وصیت‌نامه شهید

- از جوانان عزیز استدعا دارم که در راه کسب علم و ادب توأم با معنویت و اخلاق کوشا باشند.
- همچنان که رزمندگان با ایثار جان خویش از دین و کشور اسلامی دفاع می‌کنند، استدعای من از مسئولین این است که در راه رفاه و آسایش طبقه محروم کوتاهی نفرمایند.

حضرت امام خامنه‌ای (ره):
من شهادت در راه حق و اهداف الهی را افتخار جاودانی می‌دانم.



شهید محمود شیبانی

نام پدر: حسین

تاریخ تولد: ۱۳۵۰/۰۱/شهریور

محل تولد: فارس/کازرون/روستای بیدزرد

وضعیت: مجرد

تعداد فرزندان: ۰

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/دی/۲۰

محل شهادت: شلمچه

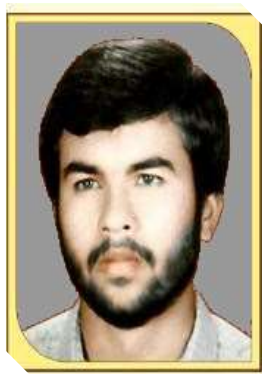
مزار مطهر: کازرون/بالاده/روستای بیدزرد

خلاصہ ای از زندگی نامہ و نحوہ شہادت

شہید محمود شبیانی فرزند حسین در سال ۱۳۵۰، در خانوادہ ای مذہبی و متدین در روستای بید زرد از توابع بخش جرہ بالادہ کازرون دیدہ بہ جہان گشود. او در دانش سرای تربیت معلّم پذیرفتہ شدہ بود کہ در دوران جنگ تحمیلی بہ دفاع از دین و سرزمین مقدّس خویش پرداخت. در کشاکش جنگ تحمیلی او نیز همچون ہزاران مرد این سرزمین، کمر ہمت بست و بہ دفاع از دین و سرزمین مقدّس خویش بہ جنگ با متجاوزین گرگ صفت شتافت و در جہہہای جنگ حق علیہ باطل مدّتہا مبارزہ کرد تا دست نامردان اجنبی از سرزمین پرگوہرش دور بماند. عاقبت نیز در این دفاع مقدّس سر و جان بہ پای معبود حقیقی خویش افکند و در ۲۰/دی/ماہ/۱۳۶۵ در منطقہ عملیاتی شلمچہ با اصابت تیر دشمن زبون بہ ناحیہ گلو و گردن افراشتہ از غرورش، شہد گوارای شہادت را نوشید و جانش را فدای حضرت دوست نمود.

بر دوش زمانہ لحظہہا سنگین است
خورشید و زمین و آسمان غمگین است
از خون و گل و شکوفہ تابوت شہید
بر موج بلند دستہا رنگین است

حضرت امام خامنه‌ای:
آنها که شهید شدند، به حد اعلی و اوفی رسیدند.



شهید حمیدرضا فرد قلعه سیدی

نام پدر: احمد

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۰۵/بهمن

محل تولد: فارس/لارستان

وضعیت: مجرد

تعداد فرزندان: ۰

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/دی/۲۴

محل شهادت: شلمچه / عملیات کربلای ۵

مزار مطهر: کازرون - گلزار شهدای بهشت زهرا

خلاصہ ای از زندگی نامہ و نحوہ شہادت

حمیدرضا فرد قلعه سیدی، بہمن ماہ سال ۱۳۴۳ در خانوادہ ای مستضعف و مذہبی دیدہ بہ جہان گشود. دوران کودکی را در دامن مادر متدین خود گذرانید و علی رغم بیماری شدیدی کہ در همان دوران مبتلا شدہ بود، تقدیر الہی بر این قرار گرفت کہ بہبود یابد و سرباز خمینی کبیر (رہ) باشد.

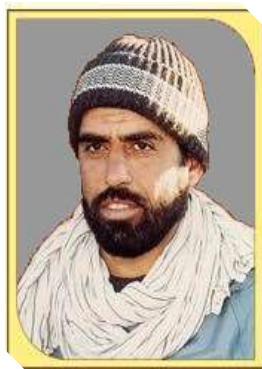
شہید پس از گذراندن دوران تحصیلات متوسطہ، ضمن شرکت در آزمون مراکز تربیت معلّم در آزمون مذکور قبول شد و در مرکز تربیت معلّم جہرم مشغول بہ تحصیل گردید. با شروع جنگ تحمیلی بارہا در جہہ ہای جنگ حضور پیدا کرد و سرانجام در ۲۴/ دی/ ۱۳۶۵ در عملیات کربلای ۵ بہ فیض عظیم شہادت نایل آمد و آسمانی شد.

فرازی از وصیت نامہ شہید

- امروز حسین زمان، ندای ہَلْ مِنْ ناصِرٍ یَنْصُرُنِی سر می دہد، آیا سزاوار است کہ چون مردم کوفہ بہ این ندا پاسخ ندهیم؟ ما بہ جہہ می رویم تا در راہ خدا پیکار کنیم و بہ کربلای امام حسین (ع) برسیم، اما اگر خدا قبول کند بہ دیدار خود امام حسین (ع) خواهیم رفت.

- مادرم! بدان که دل به خدا بستن و عاشق حسین شدن دست خود انسان نیست، بلکه این شیر آغشته به عشق حسین شماس است که ما را نیز عاشق کرد.
- راه امام خمینی راه حسین بن علی است؛ پس مبادا کاری کنید که امام حسین (ع) از ما ناراحت شود.

حضرت امام خامنه‌ای:
شهیدان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، از جمله عزیزترین شهدای طول تاریخ‌اند.



شهید هدایت‌الله محمودیان

نام پدر: عبدالرحیم

تاریخ تولد: ۱۳۳۳/۰۱/دی

محل تولد: فارس/کازرون

وضعیت: متأهل

تعداد فرزندان: ۳

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/ دی/ ۲۷

محل شهادت: شلمچه/ عملیات کربلای ۵

مزار مطهر: کازرون - گلزار شهدای بهشت‌زهرا

خلاصه‌ای از زندگی‌نامه و نحوه شهادت

شهید هدایت‌الله محمودیان در تاریخ ۱/دی/۱۳۳۳ در خانواده‌ای مذهبی در کازرون متولد شد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه خویش به پایان رساند و پس از اتمام خدمت نظام وظیفه به عنوان معلم دینی و قرآن در منطقه خشت و کمارج به انجام وظیفه مشغول شد. او به برگزاری محافل مذهبی، از جمله دعای کمیل، ندبه و توسل و جلسات قرآنی و بحث‌های عقیدتی و سیاسی اهتمام می‌ورزید.

با ورود رهبر کبیر انقلاب، ایشان عضو کارگروه حفاظت از اتومبیل امام شد، در تمام راهپیمایی‌ها شرکت می‌کرد، به امام و روحانیت در خط ولایت علاقه وافری داشت. با پیروزی انقلاب اسلامی، به صورت مأمور در سپاه پاسداران کازرون به انجام وظیفه مشغول شد و جزء اولین محافظان نماینده محترم ولی فقیه، حضرت آیت‌الله ایمانی بود. مسئولیت پایگاه مقاومت فجر مسجد ملابرات را نیز به عهده داشت. چهار بار در عملیات شرکت کرد و چندین بار زخمی شد. بالاخره در تاریخ ۲۷/دی/۱۳۶۵ به آرزوی خود رسید. از وی دو پسر و یک دختر و شاگردانی پاک‌باخته به یادگار مانده است.

فرازی از وصیت نامہ شہید

- در برابر بیہودہ گویی های دیگران خاموش ننشینید. فردا باید جلو شہدا جواب بدهید.
- عزیزانم! بچہ های یتیم را فراموش نکنید.
- پیرو ولایت فقیہ باشید.
- همسر، اوّل کنار قبر برادران شہیدت برو، بعد کنار قبر من بیا.
- پایگاہ را فراموش نکن.

حضرت امام خامنه‌ای:
شهید، چیز عظیم و حقیقت شگفت‌آوری است.



شهید حاج مجید حسن‌زاده رسته‌ی

نام پدر: حسین

تاریخ تولد: ۱۳۳۴/۰۱/فروردین

محل تولد: فارس/کازرون

وضعیت: متأهل

تعداد فرزندان: ۳

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۳۰/دی

محل شهادت: شلمچه/عملیات کربلای ۵

مزار مطهر: کازرون - گلزار شهدای امام‌زاده سید محمد نوربخش

خلاصہ ای از زندگی نامہ و نحوہ شہادت

شہید بزرگوار در خانوادہ ای مذہبی و عاشق اہل بیت در کازرون بہ دنیا آمد. در زمان کودکی بہ فرایض دینی و عبادی خود از قبیل نماز و روزہ عمل می کرد، بعد از پایان دبیرستان بہ سپاہ دانش رفت و در روستاہای دورافتادہ کشورمان بہ شغل شریف معلّمی اشتغال یافت و در همان زمان با ساواک پهلوی درگیری داشت. بعد از اتمام دوران سپاہی دانش، در آزمون تربیت معلّم شرکت کرد و در رشتہ ریاضی قبول شد. بعد از گرفتن فوق دیپلم در روستاہای کازرون مشغول بہ کار شد و در بخش کنار تخته مسئولیت امور تربیتی را بہ عہدہ گرفت.

وی در حین مسئولیت خود بہ جہت نبرد می رفت. بعد از مدّتی مسئّل امور تربیتی فیروز آباد شد و این مسئولیت را در صورتی قبول کرد کہ او را جہت تحصیلات حوزوی بہ قم منتقل کنند. در زمانی کہ مسئّل امور تربیتی بود بہ عنوان بہترین مسئّل نمونه انتخاب و جہت تشویق ایشان از طرف ادارہ بہ مکہ مکرمہ مشرف شد. بعد از دو سال جہت ادامہ تحصیل بہ قم ہجرت کرد و شروع بہ تحصیل علوم حوزہ نمود. ہم تدریس می کردند و ہم درس می خواند و در صورت نیاز در جہتہ های نبرد حضور می یافت. از خصوصیات اخلاقی ایشان، علاقہ مندی ایشان بہ حضرت امام بود. دائم الوضو بود و نماز اوّل وقت را در مسجد می خواند،

در قنوت‌هایش امام را دعا و شهادت را برای خودش طلب می‌کرد. خواندن زیارت عاشورا را ترک نمی‌کرد و پدری نمونه برای فرزندان و عابدی نمونه در مقابل پروردگارش بود.

فرازی از وصیت‌نامه شهید

- خدایا، تو را سپاس می‌گویم که عشق به روحانیت عزیز، این پاسداران حریم مقدس اسلام را در دلم جا دادی و بر این باورم داشتی که اسلام را از این قشر محترم و خدمتگزار بگیرم و آنان را وارثان انبیا بدانم.
- پروردگارا، دلم می‌خواهد در عشقت بسوزم. دوست دارم بنده‌ای واقعی شوم. دوست دارم در سرم جز هوای تو نباشد.

حضرت امام خامنه‌ای:
هیچ کس با شهدای کربلا، قابل مقایسه نیست.



شهید مصطفی دیانتی نسب

نام پدر: غلامرضا

تاریخ تولد: ۱۸/مرداد/۱۳۴۵

محل تولد: فارس/کازرون

وضعیت: مجرد

تعداد فرزندان: ۰

تاریخ شهادت: ۳۰/دی/۱۳۶۵

محل شهادت: شلمچه / عملیات کربلای ۵

مزار مطهر: کازرون - گلزار شهدای بهشت زهرا

خلاصه‌ای از زندگی‌نامه و نحوه شهادت

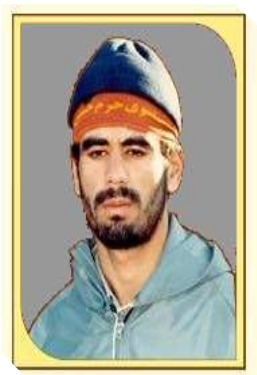
معلم و دانشجوی شهید مصطفی دیانتی نسب در سال ۱۳۴۵ در یکی از خانواده‌های متدین شهر کازرون دیده به جهان گشود. وی بعد از گذراندن دوران ابتدایی و راهنمایی در رشته علوم تجربی دیپلم گرفت. در سال ۱۳۶۵ پس از کسب مدرک فوق دیپلم علوم تجربی در منطقه جره - بالاده به تدریس پرداخت. در تابستان همان سال در رشته شیمی دانشگاه شیراز قبول شد و ثبت نام کرد. با تجدیدنظر سازمان سنجش در رشته دکترای دندانپزشکی دانشگاه اصفهان پذیرفته شد و از وی برای ثبت نام دعوت به عمل آمد؛ اما هنگامی این خبر به خانواده اش رسید که بیست روز از شهادتش می گذشت.

این کبوتر مسجد سال‌ها عضو پایگاه مسجد موحد بود. او چهار بار عازم جبهه شد و در عملیات مختلف شرکت کرد تا بالاخره به عنوان تیربارچی در عملیات کربلای ۵ شرکت نمود و سر مبارکش را به حضرت دوست اهدا کرد و در تاریخ ۳۰/ دی/ ۶۵ شهادت را در آغوش کشید و سردار بی سر لقب گرفت. مصطفی اهل دل و به تعبیر دوستانش (عارفی بی هیاهو) بود، شاعر بود و دفترچه شعری با عنوان‌های شهید شهد شیرین کمال، راه عبرت، تنهایی، طبیعت بی رحم، شب و شمع از خود به جای گذاشته است.

فرازی از وصیت نامہ شہید

- روحانیت در خط اسلام و معتقد به ولایت فقیہ را پشتیبانی کنید.
اگر می‌خواهید دشمنان برای ہمیشہ از شما مأیوس شوند پشتیبان ولایت فقیہ باشید کہ اگر ولایت فقیہ را از ما گرفتند ہمہ چیز را از ما گرفته‌اند.
- عزیزانم! بہ فکر مرگ باشید؛ چہ بسا کسانی کہ امروز خود را بہ شب نیاورند و چہ بسا افرادی کہ بہ انتظار فردا بودند و بہ آن نرسیدند.

حضرت امام خامنه‌ای:
بالا تر از ارزش شهادت، چیزی نیست.



شهید رسول گلستان

نام پدر: علی نقی

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۰۵/دی

محل تولد: فارس/کازرون

وضعیت: مجرد

تعداد فرزندان: ۰

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/۰۴/بهمن

محل شهادت: شلمچه/ عملیات کربلای ۵

مزار مطهر: کازرون - گلزار شهدای بهشت زهرا

خلاصہ ای از زندگی نامہ و نحوہ شہادت

دانشجوی معلّم، شہید رسول گلستان در سال ۱۳۴۴ در خانوادہ ای مذہبی و مستضعف در کازرون متولد شد. تحصیلات خود را در دبستان حسام الدینی و مدرسہ راهنمایی شہید خدیو و دبیرستان شہید بستانپور با موفقیت گذراند. در زمان انقلاب با اینکه هنوز نوجوانی بیش نبود، در ہمہ راہپیمایی ها و تظاهرات شرکت می کرد. بعد از پیروزی انقلاب در انجمن اسلامی دانش آموزان فعالیت می کرد و در صحنہ های مبارزہ با استکبار جهانی ہمیشہ حاضر بود.

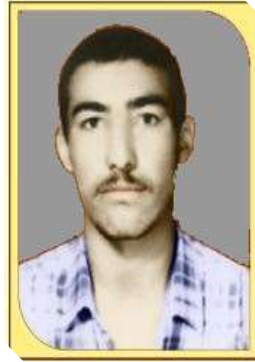
شہید گلستان یکی از مشتاقان نماز جمعہ و دعای کمیل بود و در مسابقات قرآن کہ از طرف ادارہ حج و زیارت برگزار می شد، شرکت می کرد و با اعتقادی راسخ بہ ولایت، عشق می ورزید و در معاشرت ها بسیار خوش برخورد بود، بہ بزرگ ترها احترام می گذاشت و کوچک ترها را تکریم می کرد. با شنیدن خبر شہادت برادرش موسی در تاریخ ۰۷/ شهریور ۱۳۶۴ از جہہ بہ کازرون برگشت و در همان سال در مرکز تربیت معلّم شیراز بہ تحصیل ادامہ داد؛ اما طولی نکشید کہ بہ اشتیاق شہادت، دوبارہ بہ جہہ رفت و در ۰۴/ بہمن ۱۳۶۵ در عملیات کربلا ۵ در منطقہ شلمچہ بر اثر ترکش خمپارہ بہ پشت سرش بہ مقام والای شہادت رسید.

فرازی از وصیت‌نامه شهید

- حزب‌الله کیست؟ حزب‌الله گروهی از انسان‌های با هدفی‌اند که بایمان به خدا در بُعد عمل و با معیار و ملاک قرار دادن سخنان ائمه و فقهاء، مسیر خودشان را طی می‌کنند و در این راه بسی جان‌فشانی می‌کنند.
- حزب‌الله تسلیم در برابر دشمن نمی‌شود، بلکه تسلیم در برابر فرمان خدا می‌شود. حزب‌الله غالب است و به پیمانی که با ولی خویش بسته وفا می‌نماید و در آخر حزب‌الله شهید می‌شود و شهادت نصیبش می‌گردد.

حضرت امام خامنه‌ای:

شهادت، محصولی از تلاش دسته‌جمعی یک مجموعه انسان است که یک نفر شهید می‌شود.



شهید خسرو نادری دره‌شوری

نام پدر: علی مراد

تاریخ تولد: ۱۳۴۲/۰۱/مهر

محل تولد: فارس/کازرون/فامور

وضعیت: مجرد

تعداد فرزندان: ۰

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/اسفند/۱۵

محل شهادت: شلمچه/ عملیات کربلای ۵

مزار مطهر: روستای قلعه نارنجی - امامزاده بی‌بی حوری

خلاصه‌ای از زندگی‌نامه و نحوه شهادت

شهید والامقام خسرو نادری دره‌شوری در اوّل مهر ۱۳۴۲ در منطقه فامور از توابع شهرستان کازرون در خانواده‌ای عشایری از ایل دره‌شوری قشقایی که زندگی خود را در دامان طبیعت زیبای خداوند می‌گذراندند، به دنیا آمده است. وی تحصیلات دوره ابتدایی را در دبستان عشایری آغاز کرد و در همان سال اوّل دبستان داغدار پدر مهربانش شد و طعم یتیمی را چشید، ولی درد بی‌پدری عاملی نشد که وی از درس و مدرسه محروم بماند.

بالاخره پس از تحصیل در دبستان و گذراندن دوره سه‌ساله راهنمایی در منطقه فامور، به شهر کازرون مراجعت می‌نماید و اتفاقی اجاره می‌کند و با ثبت‌نام در دبیرستان بعثت در رشته اقتصاد به تحصیل خود ادامه می‌دهد.

ایشان کلاس دوم دبیرستان بوده که از طرف بسیج سپاه پاسداران کازرون اطلاع می‌یابد که جبهه‌ها به نیرو نیاز دارند؛ لذا برای دفاع از میهن اسلامی از طرف مدرسه ثبت‌نام کرد و به مدت حدود دو ماه راهی جبهه‌های جنگ در منطقه جنوب شد.

پس از اتمام دوران دبیرستان در آزمون مراکز تربیت معلّم شرکت می‌کند و برای آموزش دوره دبیری و پوشیدن ردای معلّمی در مرکز تربیت معلّم

شهيد رجاىي شيراز پذيرفته مى شود، اما رويۀ ظلم ستيزى و دفاع از اسلام و انقلاب اسلامى و عشق به امام خمينى سبب مى شود كه مجدداً ياريگر جبهه هاى حق و دفع ظلم و ستم شود و با اين تفكر و اندیشه است كه جان عزيزش را در راه حضرت دوست به معامله مى گذارد و در تاريخ ۱۵/اسفند ۱۳۶۵ آسمانى مى شود و جسم مطهرش در امامزاده بى بى حورى روستاى قلعه نارنجى به خاك سپرده شده است تا زيارتگاهى براى اهل يقين باشد.

شهيد نادرى بيش از همه چيز عشق رهبرى امام خمينى (ره) داشته است، حتى در يادداشت هاى شخصى و روزمره اش سخنان امام را متذكر شده است و همواره عشق به معبود يكتا و خداى محبوب را از افتخارات خود معرفى کرده است.

حضرت امام خامنه‌ای:

هر ملتی که متکی به شهادت شد و هنر شهادت را یاد گرفت، این ملت برای همیشه، سر بلند است.



شهید عبدالصمد پولادی

نام پدر: محمد تقی

تاریخ تولد: ۱/۰۱/بهمن/۱۳۳۷

محل تولد: فارس/کازرون

وضعیت: متأهل

تعداد فرزندان: ۲

تاریخ شهادت: ۱۸/فروردین/۱۳۶۶

محل شهادت: شلمچه/ عملیات کربلای ۸

مزار مطهر: کازرون - گلزار شهدای امامزاده سید محمد نوربخش

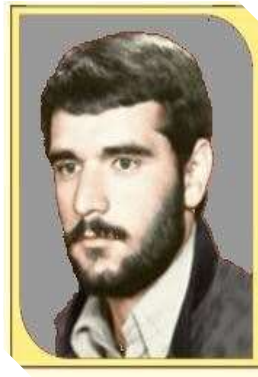
خلاصہ ای از زندگی نامہ و نحوہ شہادت

شہید حاج عبدالصمد پولادی در سال ۱۳۳۷ در خانواده ای مذهبی به دنیا آمد. از سنین کودکی خیلی عاقل و هوشیار بود. دبستان و دبیرستان را با نمرات عالی پشت سر گذاشت. در سال ۱۳۵۷ به خدمت سربازی اعزام شد، ولی چون زمان اوج انقلاب بود، پس از مدتی به فرمان امام خمینی مانند تعداد زیادی از دیگر سربازان از پادگان فرار کرد و به مردم انقلابی پیوست. پس از پیروزی انقلاب در آموزش و پرورش منطقه خشت و کمارج به خدمت مشغول شد که تقریباً هم زمان با شروع جنگ تحمیلی بود. ایشان همان اوایل به جبهه رفتند، ولی پس از مدتی بنا به دلایلی از جبهه برگشتند. مدتی بعد ازدواج نمودند که حاصل آن دو فرزند به نام روح الله و محمد است. پس از چند سال خدمت در آموزش و پرورش مسئولیت امور تربیتی منطقه را، که قبلاً چهار نفر از مسئولانش یکی پس از دیگری به شہادت رسیده بودند، به عہدہ گرفت. شاید به او الہام شدہ بود کہ دیگر نوبت تو است و بالاخرہ او ہم کہ از سال ۱۳۶۴ چند بار بہ جہہ رفتہ بود، در ۱۸/فروردین/۶۶ در خطّ مقدّم جہہ بہ آرزوی دیرینہ اش کہ شہادت بود، دست یافت.

فرازی از وصیت‌نامه شهید

- خدایا، تو می‌دانی که همیشه از تو تقاضا داشتم که پایان مرگ مرا شهادت در راهت قرار دهی. من جلو امام حسین (ع) خجالت می‌کشم که به غیر از شهادت، از دنیا بروم.
- قدر انقلاب و رهبر عزیزمان را بدانید. تمام این سختی‌ها و مشکلات بعد از جنگ، امتحان خداست. سعی کنید از امتحان خدا خوب درآیید.
- انقلاب و امام را تقویت کنید و با ایراد گرفتن، روحیه‌ها را نسبت به انقلاب تضعیف نکنید.
- من راضی نیستم که اسمم را به مدرسه یا هر مؤسسه یا مسابقه‌ای و غیره همراه کنند... نمی‌خواهم بعد از مرگم اسمم جایی باشد.

حضرت امام خامنه‌ای:
همه باید پاسدار خون شهید باشند.



شهید محمد پرویزی

نام پدر: شکرالله

تاریخ تولد: ۲۱/شهریور/۱۳۳۸

محل تولد: فارس/کازرون

وضعیت: متأهل

تعداد فرزندان: ۱

تاریخ شهادت: ۱۹/فروردین/۱۳۶۶

محل شهادت: شلمچه/عملیات کربلای ۸

مزار مطهر: کازرون – گلزار شهدای امامزاده سید محمد نوربخش

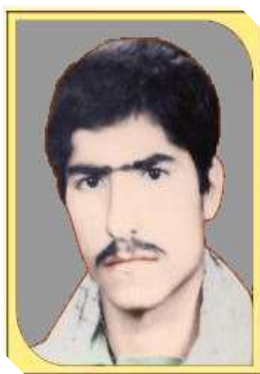
خلاصه‌ای از زندگی‌نامه و نحوه شهادت

شهید محمد پرویزی در شهریورماه ۱۳۳۸ متولد شد. او کبوتر مسجد بود و مأنوس با قرآن و به حق از خیل السابقون انقلاب بود. در سال‌های پایانی تحصیلات متوسطه بود که بارقه‌های آتش نهفته در خاکستر انقلاب درخشیدن گرفت و او شجاعانه در مراسم چهلمین روز شهدای قم و یزد شرکت نمود. در تاریخ ۵۷/۰۲/۱۹ سینه مالا مال از عشق خود را آماج گلوله مأمورین شهربانی وقت قرار داد و در بیمارستان سعدی شیراز بستری شد. مأمورین ساواک دست‌های او را با دستبند به پایه‌های تخت بستند و پس از بهبود نسبی وی در محاصره ساواک به یکی از کلانتری‌های شیراز منتقل کردند. پس از آزادی مجدداً برای چندمین بار دستگیر و شکنجه شد؛ به گونه‌ای که در رمضان ۵۷ برای اینکه بتوانند ایشان را تخلیه اطلاعاتی بکنند، دانه‌دانه موهای صورتش را کردند. پس از پیروزی انقلاب عضو سپاه پاسداران شد و پس از مدتی با ابلاغ رسمی شهید رجایی به عنوان آموزگار به کسوت زیبای معلمی درآمد. با شروع جنگ تحمیلی در چند عملیات شرکت نمود و سرانجام در ۱۹/فروردین/۶۵ در عملیات کربلای ۸ در منطقه شلمچه با سمت فرمانده دسته‌ای از گردان ثارالله دعوت حق را لبیک گفت.

فرازی از وصیت‌نامه شهید

- او در بخشی از وصیت‌نامه خود از امام خمینی (ره) به‌عنوان اسطوره تاریخ یاد می‌کند و عدم غفلت از ایشان را گوشزد می‌نماید که عزیزانم ولایت‌فقیه را همیشه پشتیبان باشید و دشمنان آنان را خوار و ذلیل بگردانید.
- او خطاب به مسئولین چنین می‌نویسد: عزیزان مسئول! مبادا اینها (خانواده‌های شهدا) را ناراحت کنید که اگر ناراحت شوند، شهدایشان در روز محشر انتقامشان را از شما می‌گیرند.
- و خطاب به فرزندش می‌نویسد: به او (فرزندم) بگویید که پدر گفته است که برای رضای خدا کار کن و به فکر مال‌اندوزی نباش. به او بگویید که تو را خیلی دوست می‌داشت، ولی ادای وظیفه و تکلیف از تو مهم‌تر و واجب‌تر بود.

حضرت امام خامنه‌ای:
رزمندگان و شهدای عزیز ما به گردن این ملت و به گردن همه ما، حق دارند.



شهید محمدباقر ستونی

نام پدر: جعفر

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۰۱/بهمن

محل تولد: فارس/کازرون

وضعیت: مجرد

تعداد فرزندان: ۰

تاریخ شهادت: ۱۳۶۶/اسفند/۲۶

محل شهادت: مریوان/عملیات والفجر ۱۰

مزار مطهر: کازرون - گلزار شهدای امامزاده سید محمد نوربخش

خلاصہ ای از زندگی نامہ و نحوہ شہادت

شہید محمدباقر ستونی در سال ۱۳۴۶ در خانواده ای مذهبی دیدہ بہ جہان گشود۔ دوران کودکی را ہمراہ با آموزش قرآن توسط پدر بزرگ سپری کرد۔ دوران ابتدایی و راهنمایی را در مدرسہ شہید چمران و شہید دست دادہ و دوران متوسطہ را در دبیرستان بعثت پایان رساند۔ در سال ۱۳۶۴ دیپلم گرفت و در همان سال در مرکز تربیت معلّم شیراز در رشتہ زبان انگلیسی بہ تحصیل مشغول شد۔

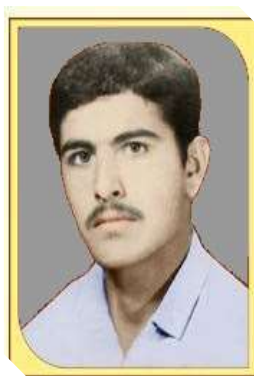
وی بہ نماز جمعہ بسیار علاقہ داشت و یکی از فعالان انجمن اسلامی آموزشگاہ بود۔ قبل از شہادت، مادرش را آمادہ پذیرش شہادت خود می کرد و می گفت: «مادر، جان من عزیزتر از جان امام نیست.»

سال دوم تربیت معلّم بود کہ از طرف بسیج سپاہ بہ جہہ اعزام شد۔ او ضمن تدریس در درس انگلیسی بہ برادران بسیجی، در خطّ مقدّم جہہ ہم حضور می یافت و می جنگید۔ این بسیجی دلاور هنگامی کہ داشت در یکی از مناطق، مین ها را خنثی می کرد، مورد اصابت گلولہ دشمن قرار گرفت و بہ سوی معبود خویش پرواز نمود۔

فرازی از وصیت‌نامه شهید

آری، من به جبهه نیامده‌ام مگر برای هدفی که در آن یاری امام حسین(ع) و لبیک به ندای او است. چه کنم که سطح سواد کم بوده و می‌بایست آن را توسعه دهم. هیچ دانشگاهی را برتر از دانشگاه عشق(جبهه) نیافتم؛ زیرا که استاد آن امام حسین(ع) و شاگردانش بسیجیان قهرمان و مبارز و درس آن اיתار، شهامت، شجاعت، مقاومت و مبارزه با ظلم و ستمگری است.

حضرت امام خامنه‌ای:
شهدا از دیگران، شجاعت و دلیری بیشتری نشان دادند.



شهید کیامرز فرامرز

نام پدر: نجف

تاریخ تولد: ۱۳۴۷/۰۱/شهریور

محل تولد: فارس/کازرون/روستای جروق

وضعیت: مجرد

تعداد فرزندان: ۰

تاریخ شهادت: ۱۳۶۶/اسفند/۲۷

محل شهادت: حلبچه

مزار مطهر: بالاده - گلزار شهدای روستای درونک

خلاصه‌ای از زندگی‌نامه و نحوه شهادت

شهید کیامرز فرامرزی در اوّل شهریور ۱۳۴۷ در روستای جروق کازرون در خانواده‌ای مذهبی چشم به جهان گشود. وی دوران تحصیلات ابتدایی و راهنمایی خود را در مدارس روستای درونک سپری کرد. در دوران راهنمایی که دوران جنگ بود و در روستاها ستاد مقاومت و غیره را تشکیل می‌دادند، ایشان مسئولیت چشمگیری در این ستادها داشتند و از لحاظ درسی جزء ممتازترین دانش‌آموزان مدرسه بود. شهید پس از گذراندن دوره راهنمایی در آزمون شبانه‌روزی شرکت نمود. در هنرستان آب باریک شیراز به ادامه تحصیل مشغول شد. وی پس از گذراندن سال اوّل هنرستان از آن جایی که دانش‌سرای تربیت‌معلم افتتاح شد و ایشان شوق و ذوق فراوان به این رشته فرهنگی داشتند و برای اینکه بتواند از لحاظ معیشتی سریع‌تر به خانواده خود کمک کند، در این آزمون شرکت نمودند و مشغول به ادامه تحصیل شدند.

شهید از اخلاق و رفتار بسیار خوبی برخوردار بود. ایشان در زمان تعطیلات تابستانی به هر طریق که بود باید در کارهای کشاورزی و دامداری یار و همراه پدرش می‌شد تا بتواند قسمتی از مشکلات اقتصادی خانواده خود را برطرف کند.

وی در سال سوم دانش‌سرا از آنجا که زمان جبهه و جنگ بود، بر خود

واجب دانست کہ بہ عنوان یک جہادگر در جہہ خدمت کند و ایشان سہ ماہ در بندر امام خمینی بہ عنوان جہادگر مشغول بہ کار شد. پس از بازگشت در سال آخر دانش سرای تربیت معلّم کہ کم کم باید در مدارس مشغول تدریس می شد، دوبارہ هوای جہہ و جنگ بہ سرش زد و عازم نبرد با دشمن شد، تا اینکہ پس از حدود سہ ماہ حضور دیگر در ۲۷/ اسفند/ ۱۳۶۶ در حلبچہ بہ درجہ شہادت نائل گردید.

حضرت امام خامنه‌ای:
شهادت، گل خوشبو و معطری است که جز دست برگزیدگان خداوند در میان انسان‌ها،
به آن نمی‌رسد.



شهید کرامت‌اله بهادری

نام پدر: قره

تاریخ تولد: ۱۳۴۶/۰۵/آذر

محل تولد: فارس/تیره قراچه

وضعیت: مجرد

تعداد فرزندان: ۰

تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۲۳/خرداد

محل شهادت: شلمچه/ عملیات بیت‌المقدس ۷

مزار مطهر: کازرون - گلزار شهدای امام‌زاده سید محمد نوربخش

خلاصه‌ای از زندگی‌نامه و نحوه شهادت

کرامت‌الله بهادری در سال ۱۳۴۶ در خانواده‌ای عشایری دیده به جهان گشود. دوران ابتدایی و راهنمایی را در روستای زادگاهش، روستای انارستان، به پایان رساند. در سال ۱۳۶۳ با اخذ دیپلم علوم انسانی در شهر کازرون، دوران متوسطه را سپری کرد.

شَهِید کرامت‌الله بهادری در چندین حمله از جمله پیکار پیروزمندانه والفجر ۸ و کربلای ۴ و ۵ به‌طور فعال شرکت کرد و در کربلای ۵ از ناحیه پا مجروح گردید. برای آخرین بار راهی جبهه شد و در گردان ثارالله از لشکر المهدی (عج) مشغول خدمت شد و در تاریخ ۲۳ خرداد ۶۷ در عملیات بیت‌المقدس ۷ در خاک شلمچه با لب‌تشنه ماند علی‌اکبر امام حسین (ع) تا آخرین لحظات عمر با دشمن جنگید و ندای معشوق را لبیک گفت و خلعت زیبای شهادت را به تن کرد.

از خصوصیات بارز شَهِید علاقه خاص به مجالس مذهبی و عزاداری سرور شَهِیدان حضرت امام حسین (ع) بود، کمتر سخن می‌گفت و اگر سخن می‌گفت حرفش به دل می‌نشست. به پدر و مادر و بزرگ‌ترها احترام می‌گذاشت و با کودکان مهربان بود. ساده‌زیست بود، اوقات فراغت به مطالعه می‌پرداخت، به واجبات شرعی اهمیت می‌داد، به فرمایش‌های حضرت امام خمینی اهمیت می‌داد و معتقد بود که گفتار او

الهام گرفته از گفتار خدا و پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) و امام زمان (عج) است. به تعریف از خود سخن نمی‌گفت و به تحسین مردم گوش نمی‌داد، هرگز خشمگین نمی‌شد و کینه کسی را به دل نمی‌گرفت، به پست و مقام نمی‌اندیشید، در هنگام انجام دادن مسئولیت پرتلاش و خستگی ناپذیر بود و در یک کلام مرد تقوای عملی بود.

فرازی از وصیت‌نامه شهید

- نگذارید اسلحه رزمندگان اسلام که به شهادت رسیده‌اند و تکلیف خود را انجام داده‌اند، روی زمین باقی بمانند.
- در آخر شما را وصیت می‌کنم به تقوا و صبر و عدالت و خوف از خدا
- شما را دعوت می‌کنم به امر به معروف و نهی از منکر

حضرت امام خامنه‌ای:
شهادت از خطر نهراسیدند و به شهادت رسیدند.



شهید بهنام پرنیان خوی

نام پدر: کرم

تاریخ تولد: ۱۳۴۴/۰۵/آذر

محل تولد: فارس/کازرون/روستای گنجه‌ای

وضعیت: مجرد

تعداد فرزندان: ۰

تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۲۳/خرداد

محل شهادت: شلمچه / عملیات بیت‌المقدس ۷

مزار مطهر: گلزار شهدای روستای گنجه‌ای

خلاصه‌ای از زندگی‌نامه و نحوه شهادت

شهید بهنام پرنیان‌خوی در سال ۱۳۴۴ در خانواده‌ای مذهبی و متدین در روستای گنجه‌ای شهرستان کازرون دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی و راهنمایی را در زادگاه خویش سپری نمود و دوران متوسطه را در هنرستان دکتر شریعتی کازرون با رتبه ممتاز به پایان رسانید.

وی در همان سال اخذ دیپلم، در آزمون ورودی دانشگاه‌ها شرکت کرد و در رشته مهندسی نقشه‌برداری دانشگاه تهران پذیرفته شد؛ ولی به‌خاطر علاقه وافری که به شغل معلمی و اشاعه فرهنگ غنی اسلامی داشت، برای ادامه تحصیل وارد مرکز تربیت معلم شهید رجایی شیراز گردید و موفق به گرفتن مدرک فوق‌دیپلم شد.

پس از گذراندن دوران تحصیل در تربیت‌معلم در منطقه سی‌سخت یاسوج به تدریس پرداخت؛ ولی به جهت احساس مسئولیت شدید نسبت به نظام جمهوری اسلامی ضمن آموزش نظامی، رهسپار جبهه‌های نبرد حق و باطل شد. وی چندین مرتبه مجروح گردید و در بیمارستان‌های شیراز و تهران بستری شد تا اینکه در نهایت در تاریخ ۲۳/ خرداد/ ۱۳۶۷ در عملیات بیت‌المقدس ۷ به درجه شهادت نائل گردید و پس از نه سال پیکر پاکش در بهشت‌زهرای زادگاهش، گنجه‌ای، به خاک سپرده شد.

از خصوصیات بارز اخلاقی شہید بہ جا آوردن صلہ رحم، کمک بہ نیازمندان، پرهیز از غیبت و تأکید بر امر بہ معروف و نہی از منکر و سفارش بہ حجاب بود. او تنها شہید روستای گنجہ ای است کہ در قطعہ ای جداگانہ بہ خاک سپردہ شدہ و توسط بنیاد شہید بنایی بر روی مزارش ساختہ شدہ است.

حضرت امام خامنه‌ای:

خاطره شهدا را باید در مقابل طوفان تبلیغات دشمن زنده نگهداشت.



شهید اصغر حسن زاده رستمی

نام پدر: حسین

تاریخ تولد: ۱۳۳۹/۰۱/فروردین

محل تولد: فارس/کازرون

وضعیت: متأهل

تعداد فرزندان: ۲

تاریخ شهادت: ۱۳۶۷/۲۳/خرداد

محل شهادت: شلمچه/ عملیات بیت المقدس ۷

مزار مطهر: کازرون – گلزار شهدای امامزاده سید محمد نوربخش

خلاصه‌ای از زندگی‌نامه و نحوه شهادت

اصغر حسن‌زاده در سال ۱۳۳۹ در خانواده‌ای مذهبی در کازرون به دنیا آمد. پس از دوران طفولیت و نوجوانی در هفده سالگی در جریان انقلاب ضد حکومت شاهنشاهی، همگام با دیگر برادران انقلابی در مبارزات شرکت کرد.

وی پس از پیروزی انقلاب و بعد از اخذ دیپلم به خدمت مقدس سربازی اعزام می‌گردد. دو ماه از خدمت او در دشت آزادگان می‌گذرد که حملات ناجوانمردانه عراق به ایران اسلامی شروع می‌شود. هم‌زمان با خدمت در لشکر اهواز، افتخار هم‌رزمی با شهید بزرگوار دکتر مصطفی چمران را پیدا می‌کند و در کار آزادسازی تپه‌های الله‌اکبر در جوار شهید چمران شرکت می‌کند و پس از پیروزی و تصرف تپه‌های مذکور و در تثبیت موقعیت، هدف ترکش خمپاره قرار می‌گیرد و به بیمارستان منتقل می‌شود و پس از بهبود به محل خدمت لشکر اهواز برمی‌گردد.

شهید حسن‌زاده دو سال سربازی خود را در جبهه جنوب و چهار ماه احتیاط را با شرکت در پیکارهای مکرر سپری می‌نماید و به دفعات مورد تشویق فرماندهان قرار می‌گیرد.

پس از اتمام سربازی در امتحان تربیت معلّم شرکت می‌کند و برای

ادامه تحصیل به شهرستان لار می‌رود، اما چون شیفته نبرد با دشمنان بعثی بود، در طول دو سال دوری از خانواده، چندین بار از شهر لار به جبهه‌ها اعزام می‌شود. پس از پایان دوره تربیت معلّم به زادگاهش کازرون می‌آید و ضمن تدریس در یکی از مدارس منطقه قائمیه، مسئولیت پیگیری امور تحصیلی فرزندان شاهد را به عهده می‌گیرد، اما مرتباً به جبهه می‌رفت و در گردان‌های فجر و کمیل و ثارالله در خطوط مقدم جبهه شرکت می‌نمود. چندین نوبت مجروح گردید. در سال ۱۳۶۷ درحالی که فرزند دوشمسه ماه بیشتر نداشت، برای بار آخر عازم صحنه دفاع از اسلام و ارزش‌های دین می‌شود و سرانجام در تاریخ ۲۳ خرداد ۶۷ در عملیات بیت‌المقدس ۷ به درجه رفیع شهادت و آرزوی خودش می‌رسد.

حضرت امام خامنه‌ای:

رسم شهادت و سنت الهی - قتل فی سبیل الله - با نظام اسلامی زنده شد.



شهید عباس پولادی

نام پدر: محمد تقی

تاریخ تولد: ۱۳۳۲/۰۱/بهمن

محل تولد: فارس/کازرون

وضعیت: متأهل

تعداد فرزندان: ۲

تاریخ شهادت: ۱۳۸۱/اسفند/۲۲

محل شهادت: بیمارستان نمازی شیراز

مزار مطهر: کازرون - گلزار شهدای امامزاده سید محمد نوربخش

خلاصه‌ای از زندگی‌نامه و نحوه شهادت

شهید عباس پولادی در سال ۱۳۳۲ در خانواده‌ای مذهبی دیده به جهان گشود. پدر و مادرش نام او را عباس گذاشتند و چه‌بسا همین نام باعث شد در تمام دوران زندگی ارادت خاصی به آقا حضرت عباس داشته باشد و یکی از بزرگ‌ترین آرزوهایش رفتن به کربلا بود که متأسفانه در زمان حیاتش مقدور نشد؛ ولی بعد از شهادتش چند تن از فامیل خواب‌دیده بودند که شهید بزرگوار یا در حال رفتن به کربلاست یا از زیارت کربلا برمی‌گردد که به آرزوی دیرینه خود بعد از شهادتش رسیده بود.

ایشان دوران راهنمایی و دبیرستان را در کازرون سپری کرد و بعد از انجام وظیفه سربازی ازدواج کرد. شهید بزرگوار، آن زمان مثل همه جوان‌های هم‌سن و سال خودش برای پیروزی انقلاب فعالیت‌های زیادی انجام داد. بعد از پیروزی انقلاب ۵۷ با شروع جنگ و با دستور حضرت امام خمینی به عضویت بسیج درآمد. با فرمان امام جزء اولین نفرات بود که به جبهه اعزام شدند.

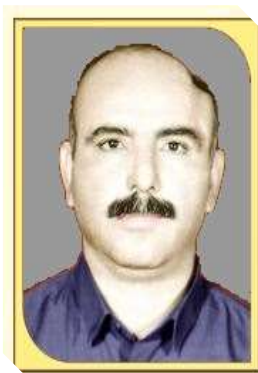
شهید عباس پولادی در روز تاسوعای حسینی سال ۱۳۵۹ بر اثر ترکش خمپاره که باعث قطع پای راست ایشان گشت، به عنوان اولین جانباز بسیجی کازرون شناخته شد و جانبازی ایشان مانعی برای رفتن به جبهه

در طول دوران جنگ نشد و تا آخرین روزهای جنگ در جبهه و پشت جبهه خدمت می کرد. ایشان همیشه و در همه حال حامی و یاور افراد نیازمند و بی بضاعت بود و در خدمت به مردم از هیچ کاری کوتاهی نکرد.

شہید عباس پولادی زمان زخمی شدنش به کبدش آسیب رسید و بعد از تحمل دوران سخت جانبازی در روز تاسوعای ۱۳۸۱ به درجہ رفیع شہادت نائل گشت.

و چه زیبا کہ نامش عباس، راهش عباس و زخمی شدنش عباس گونه و روز جانبازی اش هم زمان با روز شہادت حضرت عباس و بعد از ۲۲ سال تحمل دردهای فراوان، دقیق صبح روز تاسوعای حسینی به درجہ رفیع شہادت نائل گشت و پیکر پاکش صبح روز عاشورا تشییع شد.

حضرت امام خامنه‌ای:
زنده نگه داشتن یاد شهدای انقلاب باعث تداوم حرکت انقلاب است.



شهید امرالله باقریه

نام پدر: حسن

تاریخ تولد: ۱۳۳۳/۰۱/مرداد

محل تولد: فارس/کازرون

وضعیت: متأهل

تعداد فرزندان: ۳

تاریخ شهادت: ۱۳۸۳/مهر/۲۵

محل شهادت: کازرون/جانباز دفاع مقدس

مزار مطهر: کازرون - گلزار شهدای امامزاده سید محمد نوربخش

خلاصہ‌ای از زندگی‌نامه و نحوه شہادت

شہید امرالله باقریہ در اوّل مرداد ۱۳۳۳ در خانوادہ‌ای مذہبی در کازرون متوّلّد شد. تحصیلات ابتدایی را در دبستان امیرعسّدی و دورہ دبیرستان را در دبیرستان شاکر بہ پایان رسانید. دورہ سربازی را در لباس سپاہی دانش در شہرستان بروجن استان چہارمحال بختیاری سپری کرد. پس از دورہ سربازی بہ استخدام آموزش و پرورش درآمد و بہ شغل مقدّس معلّمی مشغول گردید.

او ورزشکاری بااخلاق، مربّی مجربّ و داور درجہ ۲ در رشتہ فوتبال بود. پس از جانباز شدن از طرف فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران بہ عنوان داور ملّی افتخاری ارتقا یافت. از دوران دانش آموزی بہ مطالعہ کتب مختلف بسیار علاقه‌مند بود. در تابستان‌ها کہ مدارس تعطیل بود، در مغازہ نجاری پدرش کار می‌کرد. قبل از انقلاب بہ ہمراہ سایرین بہ نشر و پخش اعلامیہ‌های امام خمینی (ره) می‌پرداخت. در تحصن دادگستری و برہم زدن سخنرانی تیمسار کثیری، فرماندہ پادگان در سالن آموزش و پرورش، حضوری فعّال داشت و بارہا مورد تعقیب قرار گرفت و مدّتی ہم مخفی شد. در اوایل انقلاب علاوہ بر شغل معلّمی با جہاد سازندگی همکاری مستمر داشت. با شروع جنگ تحمیلی جزء اوّلین کسانی بود کہ داوطلب اعزام بہ جہہ‌ها شد و چند روزی از جنگ نگذشتہ بود کہ بہ عنوان فرماندہ دومین گروہ بسیجی

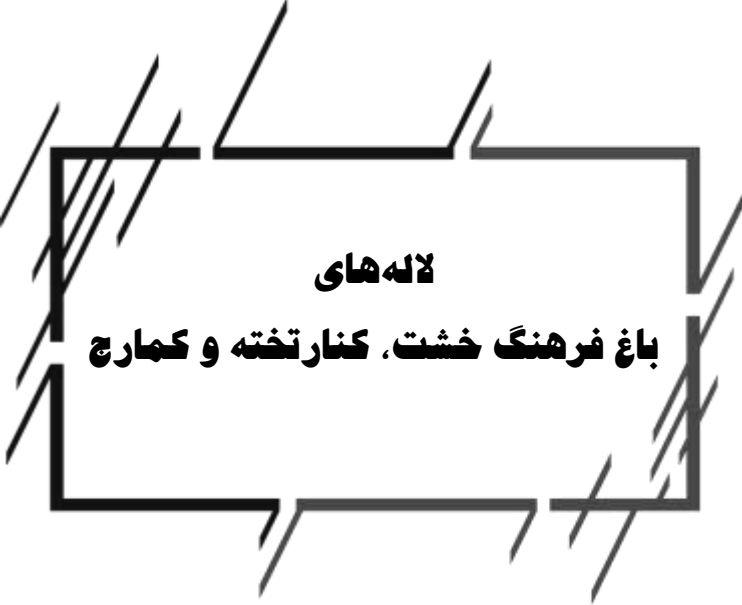
داوطلب از کازرون عازم خوزستان و جبهه سوسنگرد شد.

شهید امرالله باقریه پس از سه شبانه‌روز در محاصره سوسنگرد در صبح تاسوعا از ناحیه سر مورد اصابت مستقیم خمپاره دشمن قرار می‌گیرد که بلافاصله به بیمارستان شهید چمران اهواز منتقل شده و عمل مغزی انجام می‌شود؛ سپس وی را به شیراز انتقال داده و مدت شش ماه در بیمارستان نمازی شیراز بستری می‌شود که در مدت بستری بودن یک‌بار دیگر مورد عمل مغز قرار می‌گیرد. ایشان بعد از عمل تا مدت چهار ماه هیچ‌گونه تحرّکی نداشت و کسی را نمی‌شناخت.

تا اینکه پس از چهار ماه درحالی که مادرش بر بالینش نشسته بود، با نگاه کردن به مادرش برای اولین بار اشک در چشمانش جمع می‌شود و درحالی که شروع به گریه کردن می‌کند، خنده بر لبانش نقش می‌بندد. درهرحال به‌مرور زمان حافظه‌اش بازمی‌گردد و پس از سه سال زبانش باز می‌شود و مقداری از فلج‌بودن سمت راست بدنش که کاملاً فلج شده بود، بهبود یافت.

بعد از بهبود، تصمیم به ازدواج می‌گیرد و با دختری از خانواده‌ای پاک و مذهبی که خودشان اهل آبادان بودند و طعم تلخ جنگ را چشیده بودند، ازدواج می‌کند و ثمره این ازدواج دو پسر و یک دختر است.

آری، شهید باقریه با بیش از ۷۰٪ جانبازی به مدت ۲۲ سال در جمع کانون گرم خانواده با دلگرمی و پشتیبانی همسر با وفایش که همانند کوهی استوار در این ۲۲ سال بود، زندگی کرد؛ تا اینکه در ۲۵/مهر/۱۳۸۳ به‌خاطر دردهای ناشی از معلولیت به درجه رفیع شهادت نائل می‌گردد.



لاله‌های

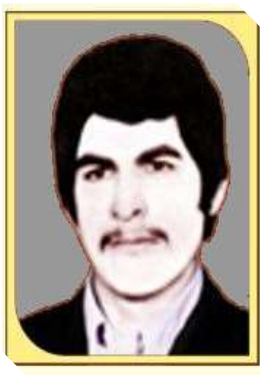
باغ فرهنگ خشت، کنار تخته و کمارج

مشخصات شهدای والامقام خشت، کنار تخته و کمارج

لاله	نام	نام خانوادگی	نام پدر	محل تولد	وضعیت
۱	عبدالنبی	صالحی	علی نظر	خشت	مجرد
۲	محمد حسین	پژمان	پنجعلی	خشت	متاهل
۳	عباس	بذرافشان	حبیب‌اله	کازرون	متاهل
۴	اصغر	سلیمانی	غلامحسین	خشت	متاهل
۵	سیروس	حسین نژاد	علی	خشت	مجرد

لاله	تاریخ تولد	تاریخ شهادت	سن	محل شهادت	مزار مطهر
۱	۱۳۳۸/۰۵/۱۰	۱۳۶۱/۰۱/۰۲	۲۳	شوش	خشت گلزار شهدای امام‌زده علی
۲	۱۳۳۳/۱۰/۲۱	۱۳۶۱/۰۲/۱۱	۲۸	فکه	خشت گلزار شهدای امام‌زده علی
۳	۱۳۳۳/۰۴/۱۱	۱۳۶۲/۰۴/۳۰	۲۹	پیرانشهر	کازرون گلزار شهدای سید محمد
۴	۱۳۳۵/۰۱/۰۱	۱۳۶۳/۱۲/۲۲	۲۸	فکه	خشت گلزار شهدای امام‌زده علی
۵	۱۳۴۳/۱۲/۱۹	۱۳۶۷/۰۳/۲۳	۲۴	شلمچه	خشت گلزار شهدای امام‌زده علی

حضرت امام خامنه‌ای:
شهیدای ما مظهر عقلانیت دینی و مدافع حقانیت و عدالت بودند.



شهید عبدالنبی صالحی

نام پدر: علی نظر

تاریخ تولد: ۱۳۳۸/۰۵/۱۰

محل تولد: فارس/کازرون/خشت

وضعیت: مجرد

تعداد فرزندان: ۰

تاریخ شهادت: ۰۲/فروردین/۱۳۶۱

محل شهادت: شوش

مزار مطهر: خشت - گلزار شهیدای امامزاده علی

خلاصه‌ای از زندگی‌نامه و نحوه شهادت

شهید عبدالنبی صالحی سال ۱۳۳۸ در خانواده‌ای مذهبی در شهر خشت دیده به جهان گشود. استعداد و نبوغ سرشار و پابندی و اعتقاد به مسائل مذهبی از همان اوان کودکی آشکار بود؛ به‌طوری که بسیاری از قرآن و احادیث را حتی قبل از ورود به دبستان به‌خاطر سپرد. دوران ابتدایی و راهنمایی را در زادگاهش سپری کرد. دوران دبیرستان خود را در کازرون همراه با مطالعه کتب دینی و سیاسی و شرکت در مساجد و مجالس مذهبی گذراند.

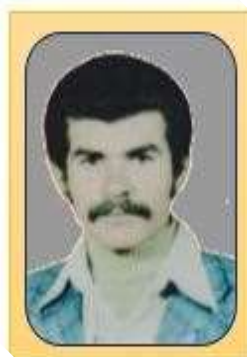
دوران سربازی او در شهر دامغان هم‌زمان با اوج‌گیری انقلاب بود. او در راه‌اندازی تظاهرات و پخش اعلامیه‌ها و فرامین امام خمینی شرکت فعال داشت. شهید، کار فرهنگی را کافی نمی‌دانست و در نتیجه کارگروه ارزاق امداد امام خمینی راه‌اندازی نمود و به تقسیم ارزاق بین مردم محروم پرداخت.

با شروع جنگ جزء اولین گروه جبهه‌های خوزستان بود. با تمام کارهای فرهنگی و خدماتی که شهید در محل انجام داد، روح بلندپروازش او را به جبهه‌های جنگ کشاند و بالاخره هوای پرواز به‌سوی معشوق و رسیدن به معبود حقیقی‌اش باعث شد که در جبهه‌ها بماند تا اینکه در تاریخ ۰۲/فروردین/۱۳۶۱ به وصال معبود حقیقی‌اش رسید.

فرازی از وصیت نامہ شہید

- اسلام امروز مانند زمان امام حسین (ع) به کمک ما احتیاج دارد؛ لذا من کہ خود را پیرو امام خمینی (ره) می دانم، بر خود لازم می دانم کہ با کفار و استعمارگران کہ در صدد نابودی اسلام هستند، مبارزه کنم.
- مال و جان و زندگی ما از مال و جان و زندگی امام حسین (ع) کمتر است و او وقتی کہ اسلام را در خطر دید، آن چنان خود و خاندان و یارانش را فدا کرد. ما نیز باید در هر زمان کہ اسلام و شرف و ناموسمان در خطر باشد، از جا برخیزیم و با دشمن دین مبارزه کنیم.

حضرت امام خامنه‌ای:
عزت امروز اسلام و مسلمین ثمره خون شهدا است.



شهید محمدحسین پژمان

نام پدر: پنجعلی

تاریخ تولد: ۱۳۳۳/۱۰/۲۱

محل تولد: فارس/کازرون/خشت

وضعیت: متأهل

تعداد فرزندان: ۲

تاریخ شهادت: ۱۱/ اردیبهشت/ ۱۳۶۱

محل شهادت: فکه

مزار مطهر: خشت - گلزار شهدای امامزاده علی

خلاصہ ای از زندگی نامہ و نحوہ شہادت

محمدحسین پژمان در سال ۱۳۳۳ در خانوادہ ای مذہبی قدم بہ عرصہ ہستی نہاد. وی پس از گذراندن دوران راہنمایی در ادارہ آموزش و پرورش با سمت نامہ بر مشغول خدمت شد. شہید چون ہمیشہ خشنودی خدا را در نظر داشت در کارہایش منظم و دقت فراوان می کرد و با اشتیاق فراوان و تلاش خستگی ناپذیر بہ کارش مشغول بود. او در بہار سال ۱۳۵۹ ازدواج کرد و ثمرہ ازدواجش دو دختر است.

وی علاقہ شدیدی بہ قرآن داشت و با آن انس و الفتی جدا نشدنی داشت. بہ دعاہای رسیدہ از ائمہ معصومین (ع) نیز دلہستگی خاصی داشت. شبہای جمعہ قرائت دعای کمیل را فراموش نمی کرد و بہ خواندن آن مداومت داشت و پیرو دستورات بنیانگذار جمہوری اسلامی حضرت امام خمینی (رہ) بود؛ لذا با شروع جنگ تحمیلی، او نیز برای دفاع از دین و ناموس و وطن خود مانند سایر بسیجیان جان بر کف بہ فرمان امام خویش لبیک گفت و داوطلبانہ در جہہہای نبرد حق و باطل حضور یافت و رشادتہای زیادی از خود نشان داد.

سرانجام در تاریخ ۱۱/اردیہشت/۱۳۶۱ در رویارویی با دشمن در خطّ مقدّم جہہ شربت شہادت نوشید و بہ دیار حق شتافت.

فرازی از وصیت‌نامه شهید

- هیچ دلتان در فکر بنده نباشد که هدف ما الله است و اگر در این راه به شهادت برسیم خیلی خوشحالم.
- اگر شهید شدم برای من گریه نکنید و به یاد علی اکبر امام حسین(ع) گریه کنید.

حضرت امام خامنه‌ای:
عظمت ما به خاطر شهادت جوانان و فرزندان این ملت است.



شهید عباس بذرافشان

نام پدر: حبیب‌اله

تاریخ تولد: ۱۳۳۳/۰۴/۱۱

محل تولد: فارس/کازرون

وضعیت: متأهل

تعداد فرزندان: ۲

تاریخ شهادت: ۳۰/ تیر/ ۱۳۶۲

محل شهادت: پیرانشهر

مزار مطهر: کازرون – گلزار شهدای امامزاده سید محمد نوربخش

خلاصه‌ای از زندگی‌نامه و نحوه شهادت

معلم شهید عباس بذرافشان در سال ۱۳۳۳ در روستای اسلام‌آباد کازرون چشم به جهان گشود. در شش سالگی مادرش به رحمت ایزدی پیوست و از محبت مادر محروم شد.

تحصیلات ابتدایی را در روستای قلعه سید کازرون گذراند و دوره متوسطه را در دبیرستان شهید مطهری (شاکر) طی کرد. پس از گذراندن دوره سربازی در یکی از مناطق محروم بویراحمد به شغل شریف معلمی پرداخت.

بعد از دو سال معلمی برای ادامه تحصیل به دانش‌سرای راهنمایی شیراز راه یافت. شهید بذرافشان مبارزات سیاسی خود را در این مرکز توسعه داد. مسئولیت کتابخانه دانش‌سرا را عهده‌دار و ضمن تهذیب نفس، خود را به سلاح علم مجهز کرد و هم‌کلاسی‌هایش نیز به این دو امر مهم ترغیب نمود.

پس از مدتی ازدواج کرد که ثمره آن دو فرزند است. با شروع جنگ تحمیلی تاب و قرار نداشت و در عملیات‌های مختلفی از جمله فتح‌المبین و والفجر ۲ شرکت نمود. در این مدت در مواقعی که در جبهه حضور نداشت با قبول مسئولیت‌هایی همچون امور تربیتی منطقه ابرقو و

بخشداری خشت و کمارج به جامعہ اسلامی و مردم شریف خدمت نمود.
اما این مسئولیت‌ها روح بلند و ملکوتی او را آرام نمی‌نمود. سرانجام با
حضور در عملیات والفجر ۲ پس از جان‌فشانی‌های زیاد در تاریخ
۳۰/تیر/۱۳۶۲ با لبی خندان و روحی سرشار از عشق و ایمان شهادت را
پذیرفت و پیکر مطہرش در گلزار شهدای امامزادہ سید محمد نوربخش
کازرون به خاک سپردہ شد.

حضرت امام خامنه‌ای:
یاد شهدا باید همیشه در فضای جامعه زنده باشد.



شهید اصغر سلیمانی

نام پدر: غلامحسین

تاریخ تولد: ۱۳۳۵ / ۰۱ / ۰۵

محل تولد: فارس / کازرون / خشت

وضعیت: متأهل

تعداد فرزندان: ۱

تاریخ شهادت: ۲۲ / اسفند / ۱۳۶۳

محل شهادت: فکه

مزار مطهر: خشت - گلزار شهدای امامزاده علی

خلاصه‌ای از زندگی‌نامه و نحوه شهادت

در سال ۱۳۳۵ در خانواده‌ای مذهبی در خشت، کودکی پا به عرصه وجود گذاشت که وی را اصغر نام گذاشتند. وی دوران طفولیت را در دامن پاک پدر و مادر گذراند. در هفت سالگی پا به دبستان گذاشت. تحصیلات ابتدایی خود را در خشت سپری کرد و دوران متوسطه را در کازرون به پایان رساند. سپس به عنوان دانش آموز رتبه اول به دانش سرای کشاورزی (علی آباد کمین) راه یافت و پس از اتمام این دوره، دو سال به عنوان سپاهی ترویج در قریه مزارعی برازجان خدمت نمود و بعد از دوران سربازی به عنوان دانشجوی رتبه اول وارد دانش سرای راهنمایی شیراز شد.

در این زمان فعالیت مذهبی و سیاسی او بیشتر شد و در اعتصابات دانشجویی تربیت معلم نقش مؤثری داشت. در اولین تظاهرات دانشجویان در حالی که نظامیان شاه اطراف آنان را محاصره کرده بودند، او از پیش گامان تظاهرات کنندگان و نقش فعالانه‌ای داشت. پخش اعلامیه‌های امام و نوارهای سخنرانی و روحانیون مبارز را نیز بر عهده داشت.

شهید عزیز پس از اتمام دوره دانش سرای راهنمایی به عنوان دبیر حرفه‌وفن مدرسه راهنمایی قائم بورکی منصوب شد و در این محیط وی دانش آموزان را با قرآن و نهج البلاغه آشنا نمود. او در مدرسه، آموزگاری مهربان بود. آنچنان دلسوزانه می نمود که حتی در ساعات غیر کلاسی دانش آموزان وی

را رها نمی کردند و از پرتوافشانی‌های او بهره می گرفتند.

ایشان در تشکیل بسیج در خشت سهمی بسیار داشت و یکی از بنیان‌گذاران بسیج در خشت بود. با ورود روحانیون مبارزی چون حجت‌الاسلام حاج شیخ علی روحانی‌نژاد و برادرش بعد تازه‌ای در زندگی اصغر شروع شد. او شبانه‌روز خو را وقف خدمت به مردم می نمود و شب‌ها تا دیروقت در روستاهای اطراف به تأسیس و تشکیل انجمن‌های اسلامی مشغول بود. هر کس سراغ وی را می گرفت یا در جلسه انجمن اسلامی یا در کلاس درس یا تفنگ‌به‌دوش در بسیج پیدایش می نمود.

بالاخره راهی جبهه‌های جنگ شد و خود را به سنگرهای خرمشهر رساند و مردانه علیه بعضی‌های مزدور جنگید. او در جبهه‌های ذوالفقاری و ملیحان نبرد را ادامه داد و پس از شش ماه فداکاری و ایثارگری به مدرسه برگشت. در تابستان ۱۳۶۰ ازدواج نمود و حاصل این ازدواج دختری بود.

این انسان خداجو و شهادت‌طلب همراه لشکریان اسلام در سنگرهای دشت رقابیه و فکه سنگر گرفت و در سحرگاه روز ۲۲/ اسفند ۱۳۶۳ به دشمن حمله‌ور شد و به استقبال شهادت رفت و از ناحیه شکم مجروح و در صحرای خشک و سوزان بر زمین‌های داغ کربلای فکه افتاد و آسمانی شد.

حضرت امام خامنه‌ای:
هر شهید پرچمی برای استقلال و شرف این ملت است.



شهید سیروس حسین نژاد

نام پدر: علی

تاریخ تولد: ۱۹/ اسفند/ ۱۳۴۳

محل تولد: فارس/ کازرون/ خشت

وضعیت: مجرد

تعداد فرزند: +

تاریخ شهادت: ۲۳/ خرداد/ ۱۳۶۷

محل شهادت: شلمچه / عملیات بیت المقدس ۷

مزار مطهر: خشت - گلزار شهدای امامزاده علی

خلاصه‌ای از زندگی‌نامه و نحوه شهادت

شهید سیروس حسین‌نژاد در ۱۹ اسفند ۱۳۴۳ در خانواده‌ای متدین و مذهبی دیده به جهان گشود و در دامان پاک پدر و مادر پرورش یافت. دوران کودکی‌اش را در خانه‌ای سپری کرد که به اسلام و قرآن الفت دیرینه داشتند.

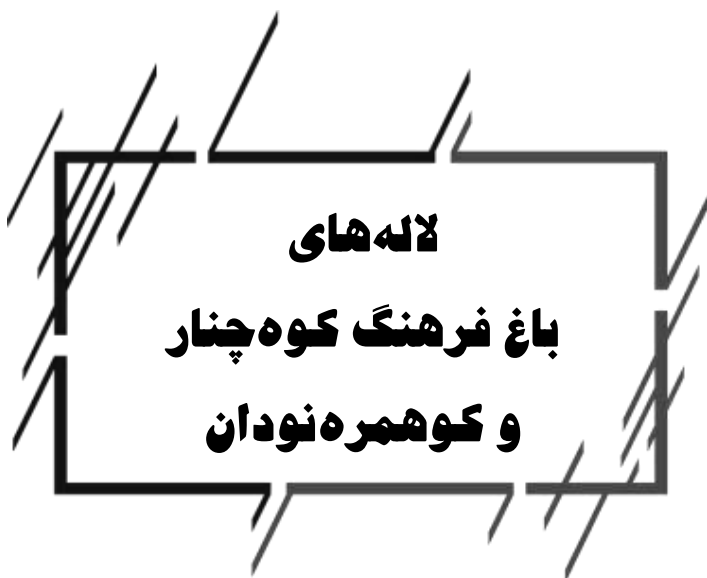
پس از طی دوران طفولیت برای کسب دانش پا به عرصه دبستان گذاشت و دوران ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان را با موفقیت سپری نمود. این معلم شهید در تمام دوران تحصیل دارای اخلاقی نیکو و رفتاری انسانی بود که بارها مرییان و معلمان از او به عنوان دانش‌آموزی منظم و با اخلاق نام می‌بردند.

این شهید عزیز تمام صفات حسنه را در خود داشت و همواره مطیع و متواضع و تحکیم‌دهنده صلح بود و نسبت به ظواهر دنیوی و مادیات بی‌علاقه بود. ایشان در سنین نوجوانی با تشکیل پایگاه مقاومت عضو پایگاه شد و فعالانه شروع به فعالیت نمود. در سال ۱۳۶۳ به شغل مقدس معلمی مشغول شد. در این زمان بود که به ندای امام خمینی (ره) لبیک گفت و عازم جبهه حق علیه باطل شد.

پس از پایان مأموریت به سنگر درس و مدرسه برگشت و به روستایی که حداقل امکانات رفاهی هم نداشت مشغول به تدریس شد و شب و روز

در این فکر بود کہ چگونه می تواند بار سنگین مسئولیت را از دوش خود بردارد و لذا دوبارہ عازم جبهہ شد.

این بار مانند مولایش ابوالفضل العباس علیہ السلام از ناحیہ سر مورد اصابت ترکش قرار گرفت و باز ہم آرام و قرار نداشت. در حالات این شہید عزیز آمدہ است کہ آخرین باری کہ عازم جبهہ شد حالت عجیبی داشت. او خودش می دانست کہ شہید می شود و بہ او الہام شدہ بود. او کہ چگونہ مردن را از مولایش حسین ابن علی (ع) آموختہ بود مرگ سرخ را برگزید و بالاخرہ در ۲۳/خرداد/۱۳۶۷ در عملیات بیت المقدس ۷ در منطقہ عملیاتی شلمچہ بہ آرزوی دیرینہ اش کہ شہادت بود، نائل آمد.



مشخصات شهدای والامقام کوه‌چنار

لاله	نام	نام خانوادگی	نام پدر	محل تولد	وضعیت
۱	داریوش	دهداری	علی	روستای موردک	متاهل
۲	محمد ابراهیم	باقری	علی شیر	آبادان	متاهل
۳	محمد باقر	عنایت	عبدالرضا	کازرون	مجرد
۴	کرامت	ابراهیم پور	یونس	کازرون	متاهل

مشخصات شهدای والامقام کوه‌مره نودان

لاله	نام	نام خانوادگی	نام پدر	محل تولد	وضعیت
۱	فضلعلی	جمشیدی	لطفعلی	گاوکشک	مجرد

مشخصات شهدای والامقام کوهچنار

لااله	تاریخ تولّد	تاریخ شهادت	سن	محل شهادت	مزار مطهر
۱	۱۳۴۳/۰۲/۰۱	۱۳۶۵/۰۱/۳۱	۲۲	فاو	گلزار شهدای روستای موردک
۲	۱۳۴۱/۱۱/۰۷	۱۳۶۵/۱۰/۲۰	۲۴	شلمچه	کازرون گلزار شهدای سید محمد
۳	۱۳۴۰/۰۱/۰۱	۱۳۶۶/۰۱/۲۰	۲۶	شلمچه	کازرون گلزار شهدای سید محمد
۴	۱۳۴۱/۰۵/۰۱	۱۳۶۷/۰۴/۰۴	۲۶	جزیره مجنون	کازرون گلزار شهدای سید محمد

مشخصات شهدای والامقام کوهمره نودان

لااله	تاریخ تولّد	تاریخ شهادت	سن	محل شهادت	مزار مطهر
۱	۱۳۲۹/۱۰/۰۲	۱۳۶۱/۰۵/۲۴	۳۲	کوشک	گلزار شهدای روستای گاو کشک

حضرت امام خامنه‌ای:
چراغ راه آینده ما، شعار آزادی و فداکاری شهدای ماست.



شهید داریوش دهداری

نام پدر: علی

تاریخ تولد: ۱۳۴۳/۰۲/۰۱

محل تولد: فارس/کوهمره/روستای موردک

وضعیت: متأهل

تعداد فرزند: ۱

تاریخ شهادت: ۳۱/فروردین/۱۳۶۵

محل شهادت: فاو - دریاچه نمک/عملیات والفجر ۸

مزار مطهر: کوه چنار- گلزار شهدای روستای موردک

خلاصه‌ای از زندگی‌نامه و نحوه شهادت

داریوش دهداری در سال ۱۳۴۳ در روستای موردک، بخش کوهمره دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی خود را در روستا گذراند. پس از آن برای ادامه تحصیل راهی کازرون شد و مقطع دبیرستان را نیز در سال ۱۳۶۱ در مدرسه بزرگ مجرد رشته علوم انسانی به پایان رساند. در تمامی دوران تحصیلاتش دارای اخلاق نیکو و رفتاری انسانی بود که بارها آموزگاران از او به عنوان دانش آموزی مرتب، منظم، باهوش و با اخلاق نام می بردند.

داریوش سال ۱۳۶۲ طبق سنت حسنه مکتبش ازدواج کرد و ثمره این امر الهی دختری به نام زینب بود. بعد از گذراندن خدمت سربازی در دوره دو ساله تربیت معلم پذیرفته شد و طی گذراندن این دوره چند بار راهی جبهه حق علیه باطل در کردستان و جنوب کشور شد.

سال ۶۴ به عنوان معلم در یکی از مدارس شهرستان کازرون مشغول به خدمت بود که با فرمان تشکیل راهیان کربلا از طریق بسیج سپاه پاسداران مجدداً به جبهه اعزام شد و بالاخره ۳۱/ فروردین/ ۱۳۶۵ در عملیات والفجر ۸ در منطقه عملیاتی فاو - دریاچه نمک به درجه رفیع شهادت نائل گردید.

فرازی از وصیت‌نامه شهید

- همیشه پشتیبان امام بزرگوار و روحانیون که پشتوانه و چراغ هدایت است، باشید.
- اتحاد و پیوستگی داشته و دسته‌دسته نشوید. همه باهم به ریسمان الهی چنگ بزنید.
- در مقابل مشکلات و کمبودها، صبر انقلابی داشته باشید که خدا با صابرين است.
- زیاد به دنیا و علایق دنیوی نچسبید و خود را گرفتار دنیا نکنید.
- در همه اوقات خدا را در نظر داشته باشید و خدا را ناظر کار خود بدانید.
- واجبات را انجام دهید و به مستحبات توجه کنید و محرّمات و مکروهات را انجام ندهید.
- از اتفاق کردن در راه خدا دریغ نکنید و مال خدا را در راه خدا خرج کنید.
- به نمازها و دعاها اهمیّت بسیار بدهید.

حضرت امام خامنه‌ای:
وظیفه قدردانی از ایثارگران به‌ویژه شهیدان، فریضه‌ای عینی و تعینی و همیشگی است.



شهید محمد ابراهیم باقری

نام پدر: علی شیر

تاریخ تولد: ۱۳۴۱/ ۱۱ / ۰۷

محل تولد: خوزستان/آبادان

وضعیت: متأهل

تعداد فرزندان: ۰

تاریخ شهادت: ۱۳۶۵/ دی / ۲۰

محل شهادت: شلمچه (کربلای ۵)

مزار مطهر: کازرون - گلزار شهدای امامزاده سید محمد نوربخش

خلاصه‌ای از زندگی‌نامه و نحوه شهادت

شهید بزرگوار محمدابراهیم باقری در سال ۱۳۴۱ در شهرستان آبادان متولد شد. دوران ابتدایی را در مدرسه مهرگان آبادان و راهنمایی و دبیرستان را به ترتیب در مدارس خلیج فارس و دکتر فلاح گذراند. وی از ده سالگی در کلاس‌های قرآن شرکت می‌کرد و کتاب‌هایی از شهر مقدس قم از طرف آیات عظام از جمله آیت‌الله گلپایگانی، آیت‌الله نجفی مرعشی و... برایش می‌آمد. همچنین به ورزش بسکتبال علاقه زیادی داشت و در کنار درس‌ها و کلاس قرآن به این ورزش می‌پرداخت. کلاس سوم راهنمایی بود که به عضویت تیم بسکتبال مدرسه درآمد و به‌طور مستمر به این ورزش می‌پرداخت، تا اینکه وارد دبیرستان شد. در دبیرستان به عضویت تیم بسکتبال خوزستان درآمد و در سال ۱۳۵۸ برای انتخاب مسابقات قهرمانی کشور به اصفهان اعزام شدند که از طرف مسئولین، برای تیم ملی انتخاب شدند و به آبادان برگشتند، ولی چند ماه بعد جنگ تحمیلی آغاز شد. با شروع جنگ تحمیلی ماه‌ها در آبادان ماند و سپس برای دیدن خانواده به کازرون آمد و به خدمت مقدس سربازی اعزام شد.

شهید، بنیان‌گذار تیم بسکتبال مهاجرین شهرستان کازرون شد و تعداد زیادی از جوانان علاقه‌مند به این ورزش را آموزش داد. او پس از

قبول شدن در آزمون تربیت دبیری به شهرستان جهرم رفت؛ ولی در زمان تحصیل بارها به جبهه می رفت و در عملیات شرکت می کرد و هنگامی که خبری از عملیات نبود به جهرم برمی گشت تا درس های عقب مانده را جبران کند. سال ۱۳۶۴ دو سال تربیت معلّم به پایان رسید و موقّق به اخذ مدرک فوق دیپلم در رشته آموزش ابتدایی شد؛ ولی باز از شرکت در جبهه کوتاهی نمی کرد.

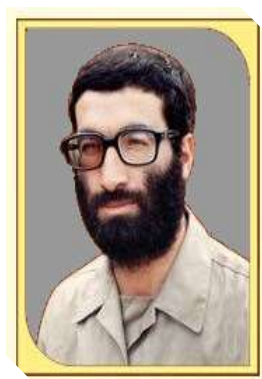
شهادت در روستای دشت برم به شغل شریف معلّمی مشغول شد، ولی هرگاه موقعیتی به دست می آمد با دیگر هم رزمانش به جبهه می رفت. تا اینکه سال ۱۳۶۵ در عملیات کربلای ۵ شرکت کرد و به درجه رفیع شهادت نایل گردید و بدن مطهرش پیدا نشد؛ ولی پس از چند سال با دیگر اجساد شهدا به کازرون بازگشت و در گلزار شهدای سید محمد نوربخش به خاک سپرده شد.

فرازی از وصیت نامه شهید

- مسجد را خالی نگذارید و ستاد مقاومت را همیشه گرم نگهدارید و نماز دشمن شکن جمعه و جماعت مسلمین، دعا های توسّل و کمیل، دیدار از خانواده های شهدا، مفقودین و همچنین دیدار از معلولین و مجروحین را فراموش نکنید.
- توصیه دیگرم به شما برادران حزب الهی این است که با هم خوب

باشید و از اختلاف‌های جزئی دوری کنید و اگر یکی از شما اشتباهی کرد، اشتباهش را فقط به او تذکر دهید، نه اینکه در مقابل یکدیگر جبهه‌گیری کنید و هدفتان در هر کاری فقط رضای خدا باشد.

حضرت امام خمینی (ره):
از شهادت نترسید؛ شهادت عزّت ابدی است، حیات ابدی است.



شهید محمدباقر عنایت

نام پدر: عبدالرضا

تاریخ تولّد: ۱۳۴۰ / ۰۱ / ۰۱

محل تولّد: فارس / کازرون

وضعیت: مجرد

تعداد فرزند: ۰

تاریخ شهادت: ۲۰ / فروردین / ۱۳۶۶

محل شهادت: شلمچه / عملیات کربلای ۸

مزار مطهر: کازرون - گلزار شهدای امامزاده سید محمد نوربخش

خلاصه‌ای از زندگی‌نامه و نحوه شهادت

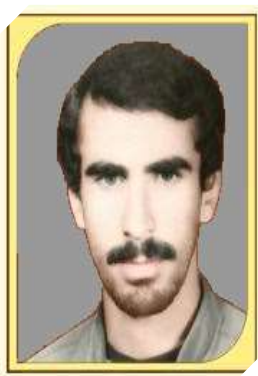
در سحرگاه ۱۳ آبان ۱۳۴۰ در کازرون و در یک خانواده متوسط فرزندی متولد شد و نام او را محمدباقر گذاشتند. پدرش کاسبی ساده و مادرش خانه‌دار بود. در اوان کودکی ساکت و آرام بود؛ انگار بلد نبود اذیت کند؛ به‌طوری که بعضی وقت‌ها مادرش فکر می‌کرد هنوز خوابیده است. دوران دبستان را در دبستان امیرعضدی سپری کرد. وی در کلاس سوم دبستان بود که پدرش در اثر برق‌گرفتگی به دیار حق شتافت. او با مادر و خواهر و چهار برادرش بی‌سرپرست ماندند. دوران سختی شروع شد. به هر نحوی که بود، مادر با چنگ‌ودندان بچه‌ها را سرپرستی و مواظبت کرد تا آن‌ها از تحصیل باز نمانند. دوران راهنمایی را در مدرسه داریوش (شهید بهبهانی‌نژاد) با موفقیت گذراند و راهی دبیرستان شد و رشته ریاضی فیزیک را انتخاب کرد. در تابستان‌ها به کار در مغازه‌ها مشغول می‌شد تا اندکی از بار خرج تحصیل را از دوش مادر سبک کند. او هرگز اهل مدپرستی نبود، اسراف نمی‌کرد، بسیار قانع بود و به اندک وسایل راضی بود. در مدت دانش‌آموزی به‌علت اینکه نمی‌توانست وسایل نقاشی بخرد، روی زمین یا دیوار با گچ نقاشی می‌کشید. پس از دبیرستان وارد مرکز تربیت معلّم شهید رجایی شیراز شد. پس از گذراندن دوره تربیت معلّم در مهرماه همان سال راهی روستاهای اطراف کازرون

شد. در روستای کلانی و پیر سبز و قائمیه ضمن تدریس درس ریاضی فعالیت‌های هنری و ورزشی و قرآنی و پرورشی هم داشت. در تابستان ۱۳۶۰ برای اولین بار به جبهه رفت و در عملیات مختلف شرکت کرد. تا آنجا که می‌توانست به خانواده شهدا کمک می‌کرد، بخصوص در نقاشی چهره شهدا روی دیوارهای شهر و تهیه کلیشه عکس شهدا.

در طول زندگی کمتر لباس نو و کفش واکس زده می‌پوشید؛ زیرا که عقیده داشت شاید کسی او را با لباس نو ببیند و نتواند چنین لباس و کفشی تهیه کند و ناراحت شود. بالاخره آخر اسفند سال ۱۳۶۵ فرارسید، از خواهرش خداحافظی می‌کند و می‌گوید: «اگر ظهر نیامدم با مادر صحبت کن و بگو که محمدباقر به جبهه رفته است.»

روز ۲۰/فروردین/ ۱۳۶۶ با دوستانش در عملیات شرکت می‌کند که تیری به پشت سر او اصابت می‌کند. پس از سه روز دوستانش تلاش می‌کنند و جسد مطهرش را به طرف نیروهای خودی منتقل می‌کنند و روز ۲۷ فروردین ۱۳۶۶ پیکر مطهرش با اندوه فراوان در گلزار شهدای سید محمد نوربخش به خاک سپرده می‌شود. آن روز بهار خانواده به خزان تبدیل شد؛ ولی برای خودش رویش مجدد بود؛ چون راهی بود که خود انتخاب کرده بود. راهی که به سعادت ختم می‌شد.

حضرت امام خمینی(ره):
مقام شهادت خود اوج بندگی و سیر و سلوک در عالم معنویت است.



شهید کرامت‌اله ابراهیم‌پور

نام پدر: یونس

تاریخ تولد: ۱۳۴۱ / ۰۵ / ۰۱

محل تولد: فارس/کازرون

وضعیت: متأهل

تعداد فرزند: ۰

تاریخ شهادت: ۱۳۶۷ / ۰۴ / تیر

محل شهادت: جزیره مجنون (تک دشمن)

مزار مطهر: کازرون – گلزار شهدای امامزاده سید محمد نوربخش

خلاصہ‌ای از زندگی‌نامه و نحوه شہادت

شہید کرامت‌اللہ ابراہیم پور ۰۱/ مرداد/ ۱۳۴۱ در روستای عبدوئی از توابع کازرون در یک خانوادہ مذہبی و مؤمن چشم بہ جہان گشود. پدرش نظامی بود، زمانی کہ شہید در ہفت سالگی بودند، پدرش بر اثر واژگون شدن ماشین دنیا را وداع می گوید.

شہید دورہ ابتدایی را در زادگاہش بہ پایان می رسانید و بہ علت نبودن مدرسہ بہ کازرون می رود و تحصیلات دورہ راهنمایی و دبیرستان با نمرات عالی سپری می نماید. وی روزهای تعطیل بہ کارگری مشغول می شود تا بتواند کمبود پدر را جبران کند.

دوران آموزشی سربازی خود را در کرمان می گذراند و بعد از تقسیم شدن مستقیم بہ شلمچہ اعزام می شد و دو سال سربازی را در منطقہ جنگی شلمچہ با زخمی شدن و شیمیایی شدن بہ پایان می رساند.

وی برای ادامہ تحصیل وارد تربیت معلّم جہرم می شود و در این ایام بہ جہہ می رود و در عملیات فاو شرکت می نماید؛ سپس در روستای عبدوئی بہ شغل شریف معلّمی مشغول می شود و پایگاہ مقاومت تشکیل می دهد و بسیاری از جوانان را آموزش می دهد و تعدادی از ہمین جوانان بہ جہہ اعزام می شوند.

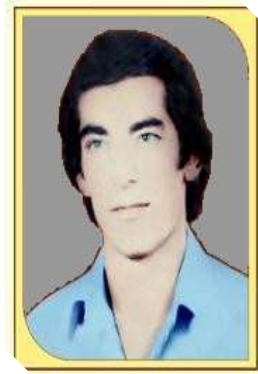
در تیرماه ۱۳۶۷ جزیرهٔ مجنون توسط دشمن بعثی بمباران شیمیایی می‌شود و هنگام عقب‌نشینی نیروها، وی درحالی که قصد می‌کند تا ماشین آب‌رسانی را با خود بیاورد که به دست دشمن نیفتد، مورد اصابت گلوله قرار می‌گیرد و به آرزوی دیرینهٔ خود که همان شهادت در راه حضرت دوست است، می‌رسد.

فرازی از وصیت‌نامهٔ شهید

- هدف من از رفتن به جبهه در وهلهٔ اوّل رضایت و خشنودی خداوند سبحان است و سپس پاسخ گفتن به ندای امام عزیزمان این حسین زمان که با رهبری خویش ما را به وادی ایمان هدایت فرمودند.

حضرت امام خمینی(ره):

ما تا آخرین نفر و تا آخرین منزل و تا آخرین قطره خون، برای اعتلای کلمه الله ایستاده ایم.



شهید فضل علی جمشیدی

نام پدر: لطفعلی

تاریخ تولد: ۰۲ / دی / ۱۳۲۹

محل تولد: فارس / کازرون / روستای گاوکشک

وضعیت: مجرد

تعداد فرزندان: ۰

تاریخ شهادت: ۲۴ / مرداد / ۱۳۶۱

محل شهادت: کوشتک

مزار مطهر: کوهمره نودان - گلزار شهدای روستای گاوکشک

خلاصه‌ای از زندگی‌نامه و نحوه شهادت

فضل علی جمشیدی در سال ۱۳۲۹ در روستای گاوکشک از توابع شهرستان کازرون دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش به پایان رسانید و برای ادامه تحصیل راهی آبادان نزد عمویش که در آن هنگام کارگر شرکت نفت بود، گردید و عمویش دلسوزانه در تربیت و تأمین هزینه زندگی وی همت گماشت. در سال ۱۳۴۹ از دبیرستان تخت جمشید آبادان موفق به اخذ دیپلم ادبی گردید.

در مهرماه ۱۳۴۹ برای انجام خدمت نظام وظیفه وارد ارتش شد و دوران سپاه دانش را در روستاهای شهرستان نطنز در خدمت به مردم محروم آن منطقه سپری نمود. شهید به علت علاقه‌ای که به شغل معلّمی داشت، در مهرماه ۱۳۵۱ در شهرستان کازرون به استخدام آموزش و پرورش درآمد و خدمت را در محروم‌ترین روستاهای آغاز نمود.

وی تدریس و ورزش را جزء برنامه روزانه خود به حساب می‌آورد و پیوسته جوانان و نوجوانان روستا را به ورزش تشویق می‌کرد و اغلب در مسابقات فوتبال که بین روستاها انجام می‌گرفت، حضور فعال داشت.

در اوایل سال تحصیلی ۱۳۵۷ در رشته زبان و ادبیات انگلیسی وارد دانشگاه تربیت معلّم تهران گردید و تحصیل در دانشگاه همراه با تدریس در مدارس تهران ادامه داد. با شروع انقلاب اسلامی به رهبری حضرت

امام خمینی (ره) به عضویت انجمن اسلامی دانشگاه تربیت‌معلم درآمد و با صدور دستور تعطیلی دانشگاه‌ها به روستای زادگاهش برگشت و نقش ارزنده‌ای را در پیشبرد اهداف انقلاب ایفا نمود.

این مجاهد عزیز در تابستان ۱۳۶۱ راهی جبهه‌های نبرد حق و باطل گردید و در تاریخ ۲۴/مرداد/۱۳۶۱ جان خود را نثار انقلاب و میهن عزیزمان نمود و با شهادت خویش درس از خود گذاشتگی و شهادت را به همگان آموخت.

«والسلام»

برای آمدن امام عزیزمان دعا کنیم

اَللّٰهُمَّ عَجِّلْ لِّوَلِيِّكَ الْفَرَجَ

صلوات

منابع و مأخذ:

- ۱- سازمان آموزش و پرورش فارس، کارشناسی شاهد، سیمای عارفان، زندگی نامه شهدای آموزش و پرورش فارس، قم، فلاح، اردیبهشت ۱۳۸۴
- ۲- بنیاد شهید کازرون
- ۳- بنیاد شهید خشت، کنار تخته و کمارج
- ۴- آموزش و پرورش کازرون
- ۵- آموزش و پرورش کوه چنار
- ۶- سایت نوید شاهد فارس <https://fars.navideshahed.com>
- ۷- سایت ۱۱۰۰ شهید کازرون <http://۱۱۰۰shahid.ir>
- ۸- سایت شهدای کازرون <https://shohadayekazerun.ir>
- ۹- سایت کازرون نما <http://www.kazeroonnema.ir/fa/vip>